

بازسازی معنایی بحران آب در شرق اصفهان براساس نظریه زمینه‌ای

عباس حاتمی، دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، ایران*

سوسن نوربخش، دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، ایران

چکیده

امروزه محیط زیست به یکی از اصلی‌ترین کانون‌های مطالعه پژوهشگران علوم اجتماعی تبدیل شده است. به دلیل همین اهمیت، مقاله پیش رو با روش زمینه‌ای استروس و کورین، در پی درک معنایی بحران آب نزد کشاورزان سه شهر زیار، اژیه و ورزنه در شرق اصفهان است. براساس تسلسل تعریف شده در این روش، برای گردآوری داده‌ها و رسیدن به مرحله اشباع و اطمینان، ۱۷ مصاحبه انجام شد؛ سپس در مرحله کدگذاری باز، ۳۵ مفهوم اولیه استخراج شد که پس از تبدیل آنها به مفاهیم انتزاعی ۱۶ مقوله اصلی به دست آمد. همین طور در مرحله کدگذاری گزینشی، یک مقوله هسته - حکمرانی غلط آب - استخراج شد و مشخص کرد که به گمان کشاورزان شهرهای مطالعه شده، بحران آب موجود رابطه مستقیمی با حکمرانی غلط آب دارد که در عمل خود را در قالب یک حکمرانی سراسر دولتی و فارغ از دخالت ذی‌نفعان اجتماعی ظاهر کرده است. چنین استدلال شد که دولت به این دلیل ازسوی ساخت اجتماعی مقصر اصلی بحران آب و این وجه از زیست مادی آنان شناخته شده است که خود را به کارگزار انحصاری در حکمرانی آب تبدیل کرده است. با الهام گرفتن از بینشی که الینور استرم در اقتصاد سیاسی فراهم کرده بود، پیشنهاد شد دولت با بازاندیشی در این شیوه از حکمرانی اقتصادی، تنظیمات سستی پیشین مانند طومار شیخ بهایی و نهادهای محلی برآمده از این تنظیمات را احیا کند و به جای انحصار نهادی، تنوع نهادی را در این حکمرانی مینا قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: نظریه زمینه‌ای، بحران آب، جامعه‌شناسی محیط زیست، حکمرانی غلط آب، تنوع نهادی، حکمرانی اقتصادی، اقتصاد سیاسی

Email: A.hatami@ase.ui.ac.ir

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۱۵۸۲۴۷۱

مقدمه و بیان مسأله

بسیاری از پژوهشگران امروزی بر این باورند که در آینده جنگ‌ها در اساس بر سر آب بین کشورها درمی‌گیرد. چنانکه گفته می‌شود: «اگر قرن بیست قرن جنگ بر سر نفت بود، قرن بیست و یک قرن جنگ برای آب خواهد بود» (Shiva, 2016). برآوردهای اولیه نشان می‌دهند بیش از یک میلیارد و صد میلیون نفر در جهان به‌نوعی با مشکل تأمین آب سالم روبه‌رو هستند (Westlund, 2014: 59). همچنین بیان‌کننده این موضوع‌اند که تا سال 2025 بیش از ۵۶ کشور در جهان با مشکل کمبود آب روبه‌رو می‌شوند (Shiva, 2016: 1). عموماً استدلال می‌شود که عوامل متفاوتی مانند افزایش جمعیت (نصرآبادی، ۱۳۹۴)، رشد سریع فعالیت‌های اقتصادی و توجه نکردن به روندهای زیست‌محیطی (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۷)، سوءمدیریت و عطش توسعه (Madani, 2014) و ... در پیدایش بحران آب در جهان مؤثر عمل کرده‌اند؛ با این حال مسئله آب مسئله‌ای مربوط به شیوه حکمرانی یا مدیریتی دولت‌ها نیز محسوب می‌شود (Madani, et al., 2016). مقایسه آمریکا با کشورهای آفریقایی به‌خوبی چنین وضعیتی را تأیید می‌کند. بررسی‌های اولیه نشان می‌دهند یک آمریکایی به‌طور متوسط روزانه بیش از ۱۰۰ برابر یک آفریقایی آب مصرف می‌کند (Westlund, 2014: 59)؛ اما در آن سو و در حالی که تفاوت میزان بارش در آمریکا و آفریقا بسیار پایین‌تر از این ارقام است، کشورهای آفریقایی برعکس آمریکا همواره با بحران آب روبه‌رو بوده‌اند. این موضوع به‌وضوح نشان می‌دهد مسئله آب تا حد زیادی به شیوه حکمرانی دولت‌ها مربوط است. به همین دلیل امروزه چنین استدلال می‌شود که مسئله آب مشکلی است که علل متنوع و به‌هم‌مرتبطی دارد که شیوه حکمرانی از مهم‌ترین آنهاست (Westlund, 2014: 60). چنانچه می‌دانیم گرچه ایران از دیرباز بین کشورهای قرار داشته است که با داشتن اقلیمی گرم و خشک با خشکسالی و کمبود منابع آبی روبه‌رو بوده است، دانش بومی و فرهنگ مهندسی سنتی حاکم بر مردم این سرزمین، سازگاری با شرایط خاص اقلیمی و مدیریت بومی منابع را ممکن کرده است. با این حال در برهه‌هایی از تاریخ، بحران آبی و تنش‌های ناشی از آن رو به گسترش نهاده است. شواهد تاریخی نشان می‌دهند هرگاه کشور ایران دچار خشکسالی و بحران آبی

شدید شده است، هم تنش‌ها در ساخت اجتماعی افزایش پیدا کرده است هم در مواردی این تنش‌ها سبب بی‌ثباتی و فراهم کردن زمینه‌های فروپاشی نظام سیاسی حاکم شده است. چنانکه برخی مطالعات نشان می‌دهند خشکسالی سال‌های ۱۲۸۵-۱۲۸۴، به اعتراضات گسترده‌ای در ایران دامن زد و حتی زمینه‌های فروپاشی نظام سیاسی قاجار را نیز فراهم کرد (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۱۰۴-۱۰۳).

در سال‌های اخیر آمارها و شرایط عینی بیان‌کننده ورود ایران به دوره جدیدی از بحران‌های زیست‌محیطی به‌ویژه در حوزه آب است. چنانکه یک بررسی نشان می‌دهد با توجه به اینکه در شرایط کنونی از حدود ۶۹ درصد از کل آب‌های تجدیدپذیر سالیانه کشور استفاده می‌شود، براساس شاخص‌های سازمان ملل متحد، ایران در وضعیت بحران آبی قرار گرفته است (احسانی و خالدی، ۱۳۸۳: ۶۵۹). هم‌اکنون بحران‌های زیست‌محیطی و به‌ویژه موضوع آب حتی در بیان مقامات سیاسی نیز به موضوعی اصلی تبدیل شده است. چنانکه به گمان رییس سازمان محیط زیست در صورت تداوم بحران آب تا ۲۵ سال آینده، حدود ۵۰ میلیون نفر در ایران مجبور به مهاجرت خواهند شد و شرق و جنوب کشور در عمل خالی از سکنه خواهد شد (پایگاه خبری عصر ایران). گرچه کمبود آب اکنون در بسیاری از نقاط ایران مسئله‌ساز شده است، در این میان شرق اصفهان یکی از مناطقی است که با وجود جدی بودن بحران آب در آن، کمتر موضوع پژوهش‌های مستقل بوده است.

این خلأ پژوهشی در حالی است که در درجه اول کم‌آبی دست‌کم در دو مقطع زمانی یعنی سال ۱۳۹۱ و سال ۱۳۹۶ به ناآرامی‌های امنیتی در این منطقه دامن زد و حتی به‌کرات دستمایه تبلیغات رسانه‌های خارجی نیز قرار گرفت. دوم اینکه سه شهر زیار، اژییه و ورزنه از بزرگ‌ترین و نزدیک‌ترین شهرها به رودخانه زاینده‌رود محسوب می‌شوند که به ترتیب در سه بخش عمده شهرستان اصفهان یعنی بخش‌های مرکزی، جلگه و بن رود واقع شده‌اند. سوم اینکه این سه شهر در طول تاریخ و به‌واسطه پیشه کشاورزی مردم این منطقه، از حقاب‌داران تاریخی و قانونی زاینده‌رود محسوب می‌شوند. بدین سان با توجه به اهمیت سیاسی، مکانی و اقتصادی سه

زیست محیطی وجوه سیاسی و اقتصادی نمایان‌تری یافتند. چنانکه از دهه‌های مزبور اصطلاحاتی مانند اکو اکونومیک^۳ و اکوپولیتیک^۴ به تدریج در علم اقتصاد و علوم سیاسی رواج یافتند. اکو اکونومیک یا اقتصاد زیست محیطی در این معنا به بررسی رابطه بین نظام‌ها و موضوعات زیست محیطی با نظام‌ها و موضوعات اقتصادی معطوف است و مقولاتی مانند توسعه پایدار، باران‌های اسیدی، گرم شدن زمین، انقراض گونه‌های خاص و به‌طور کلی تخریب محیط زیست را در بر می‌گیرد (Costanza, 1989: 1). اکوپولیتیک یا سیاست محیط زیستی نیز حامی سیاسی شدن موضوعات زیست محیطی و این موضوع است که محیط زیست به یکی از دغدغه‌های علم سیاست تبدیل شود (Davis, 2017). این اصطلاح حتی در حوزه کنش سیاسی نیز نمود یافت. چنانکه از دهه‌های ۱۹۷۰ به این سو احزاب سیاسی سبز فعالیت‌های سیاسی خود را آغاز کردند (ساتن، ۱۳۹۲: ۲۰۲). در حوزه اجتماعی نیز برای اولین بار در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ جنبش‌های زیست محیطی ناب توده‌ای ظهور یافتند که بخشی از آنها در قالب جنبش‌های اجتماعی جدید تعیین یافتند (ساتن، ۱۳۹۲: ۱۷۴-۱۷۳)؛ اما نظریه‌پردازی‌های مزبور به‌ویژه از دهه ۸۰ میلادی وجوه بین‌المللی یافت و بین نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل گسترش چشمگیری یافت. چنانکه مکتب کپنهاگ با رویکردی انتقادی بر ابعاد امنیتی بحران‌های زیست محیطی متمرکز شد. چهره شاخص این مکتب، بری بوزان، برخلاف رویکردهای سنتی و تک‌وجهی به امنیت، این مقوله را دارای خصلت چندوجهی و حتی زیست محیطی دید؛ به بیان بهتر، طرفداران این مکتب به‌طور کلی و بوزان به‌طور خاص معتقد بودند امنیت دیگر تنها مقوله‌ای نظامی و سیاسی نیست؛ بلکه در دوران جدید ابعادی اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی نیز یافته است (بوزان و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۲۱). بوزان با تأکید بر این موضوع که امنیت زیست محیطی دربردارنده دو دستور کار سیاسی و عملی است، دستور کار اول را به نحوه برخورد و چگونگی تصمیم‌گیری نهادهای حکومتی درباره مسائل زیست محیطی و دستور کار دوم را به فعالیت‌های غیرحکومتی درباره مسائل

شهر مزبور در این پژوهش تلاش می‌شود با رویکرد امیک^۱ (جهت‌گیری از درون) و مبتنی بر معرفت بومی و بهره‌گیری از روش نظریه زمینه‌ای^۲ آنسلم استروس و جولیت کورین به بازسازی تفسیری و درک معنایی کشاورزان زیار، اژیبه و ورزنه درباره بحران آب پرداخته شود. با این تفاسیر پژوهش حاضر در صدد پاسخ به سه پرسش زیر است:

- علل بحران آب از نظر کشاورزان زیار، اژیبه و ورزنه کدام‌اند؟
- راهبرد مقابله‌ای این کشاورزان در رویارویی با بحران آب چیست؟
- بحران آب از نظر کشاورزان زیار، اژیبه و ورزنه چه پیامدهایی دارد؟

مباحث نظری

عموماً چنین استدلال می‌شود که در نظریه‌های جامعه‌شناختی کلاسیک به موضوع محیط زیست نیز توجه شده است (گولدبالت، ۱۳۷۹: ۸۷). چنانچه دیدگاه‌های روسو، مالتوس، داروین، جان استوارت میل و فروید حاوی مباحثی در این زمینه است (Barry, 2007: 3). در نظریه‌های جدیدتر و در دیدگاه‌های اصحاب مکتب فرانکفورت مانند هورکهایمر و مارکوزه نیز موضوع محیط زیست اهمیت زیادی داشته است (Barry, 2007: 3)؛ اما موضوع محیط زیست از دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به این سو اهمیت بیشتری در نظریه‌های اجتماعی یافت. چنانکه جامعه‌شناسی محیط زیست به‌منزله شاخه‌ای مستقل در دهه ۱۹۸۰ ظاهر شد (ساتن، ۱۳۹۲: ۵۴). به‌تازگی مشخص شده است که جلوگیری از تخریب محیط زیست اساساً بحثی فنی نیست؛ زیرا افزایش دانش فنی انسان‌ها به جلوگیری از تخریب محیط زیست کمک نکرده است؛ بلکه بر دامنه این تخریب افزوده است. به همین دلیل به تدریج نوعی درک انتقادی در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شکل گرفت که مشکلات محیط زیست را از این دریچه بررسی می‌کرد (Barry, 2007) و برای آن ساختاری اجتماعی (ساتن، ۱۳۹۲: ۵۴) تعریف می‌کرد. به تدریج موضوعات

³ Eco Economics

⁴ Ecopolitics

¹ Emic

² Grounded Theory

شاخص‌های امنیتی و اقتصادی از شرایط نامطلوب آبی امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. بدین ترتیب، بهبود مدیریت تقاضای آب به ویژه در بخش کشاورزی از طریق رعایت الگوی کشت بهینه ملی - منطقه‌ای، توجه بیشتر به شاخص «آب مجازی» در تبیین الگوی تولید و تجارت محصولات کشاورزی و نیز توجه به ارزش اقتصادی آب از جمله الزامات برای رویارویی با بحران آب است که باید برنامه‌ریزان کشور به آنها توجه کنند.

امیری (۱۳۹۳) در پژوهش «بررسی تأثیر محیط زیست بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» ضمن اشاره به اهمیت یافتن بحران‌های زیست‌محیطی در مناسبات بین‌المللی و تأثیر این بحران‌ها بر افزایش برخوردهای قومی، آشوب‌ها و شورش‌ها، بیان می‌کند که کشور ایران نیز از جمله کشورهای درگیر با تهدیدات زیست‌محیطی جدی است و عواملی همچون آلودگی آب رودخانه‌ها و دریاها، خشکسالی، تغییرات آب و هوا و افزایش جمعیت و مهاجرت بر روند امنیت ملی ایران تأثیر زیادی می‌گذارند.

شاهی دشت و عباس نژاد (۱۳۸۹) در مقاله «مدیریت منابع آبی، چالش‌ها و راهکارها (مطالعه موردی: استان کرمان)» معتقدند اضافه برداشت از منابع آب‌های زیرزمینی دشت‌های استان کرمان در دهه‌های اخیر، سبب تغییر کیفیت آب زیرزمینی، خشک شدن چاه‌ها و قنات‌ها، نشست زمین و ایجاد شکاف در آثار و بناهای تاریخی و به‌خطر افتادن اکوسیستم این منطقه شده است. این پژوهش ضمن اشاره به ضعف مدیریت منابع آبی استان، هشدار می‌دهد که ادامه روند کنونی تخلیه آبخوان‌ها علاوه بر تشدید اثرات نامطلوب زیست‌محیطی، سبب بروز مشکلات و اختلال‌های اقتصادی و اجتماعی در سطح استان می‌شود.

مدنی و همکاران (۲۰۱۶) در مقاله «خشکسالی اقتصادی - اجتماعی ایران: چالش‌های یک ملت ورشکسته آبی» ضمن برشمردن ۱۷ عامل اصلی و شتاب‌دهنده در ایجاد مشکلات کنونی آب در ایران، معتقدند عوامل زیر مانع هرگونه تغییر معنادار در شرایط کنونی می‌شوند: نداشتن درک صحیح از ریشه‌های مشکلات آبی ایران، ساختار نامناسب حکمرانی و برنامه‌ریزی آب، وجود نداشتن هماهنگی بین متولیان آب

زیست‌محیطی مربوط دانست (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۵). بدین سان درک کلی فعلی این است که مطالعه مناسبات بین طبیعت و جوامع انسانی در اساس تلاشی بین‌رشته‌ای و چندرشته‌ای است (گولدبالت، ۱۳۷۹: ۸۷). تا آنجا که به حوزه علوم اجتماعی مربوط می‌شود، به نظر می‌رسد وجوه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی موضوعات محیط زیستی و از جمله آب بیان‌کننده یک درهم‌تنیدگی چشمگیر بین این اجزا باشد که با الهام‌گرفتن از ساتن می‌توان آن را ساختار اجتماعی طبیعت (ساتن، ۱۳۹۲: ۵۴) نامید. به نظر می‌رسد منطقی است در تحلیل‌هایی از این دست، طبیعت به‌منزله ساختاری اجتماعی و نه تنها سازه‌ای طبیعی مبنا قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهشی بحران آب در ایران نشان می‌دهد عمده پژوهش‌ها در رشته‌های فنی - مهندسی و علوم طبیعی انجام شده است. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد در حوزه علوم اجتماعی و علوم سیاسی در ایران خلأ پژوهشی جدی درباره بررسی رابطه علوم اجتماعی و سیاسی با محیط زیست به‌ویژه در حوزه آب وجود دارد. در ادامه تلاش شده است تا حد مقدور بخشی از پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه آورده شود:

کریمی سلطانی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «بحران آب در ایران و راهکارهایی برای مدیریت صحیح و عبور از آن» ضمن اشاره به سابقه تاریخی ایرانیان در سازگاری با کم‌آبی، معتقدند برای مقابله با بحران آب کنونی ضروری است راندمان آب در بخش کشاورزی از ۳۵ درصد به ۷۰ درصد افزایش یابد. همچنین ضرورت مدیریت آب مجازی توسط دولت، احیای روش‌های سنتی ذخیره و بهره‌برداری از آب‌های سطحی و زیرزمینی را یادآور می‌شوند.

محمدجانی و یزدانیان (۱۳۹۳) در مقاله «تحلیل وضعیت بحران آب در کشور و الزامات مدیریت آن» ضمن اشاره به وجود بحران شدید آب در ایران، معتقدند با توجه به ثابت بودن منابع آبی، افزایش جمعیت و توجه نکردن کافی به مدیریت منابع آب، در صورت درپیش‌نگرفتن سیاست‌های مناسب و به‌هنگام مدیریت منابع آب در هر دو بعد عرضه و تقاضا، تشدید شرایط نامطلوب منابع آبی کشور و تأثیرپذیری

خانواده ها، کاهش کیفیت زندگی، ایجاد مشکلات روحی و روانی و غیره را به دنبال داشته باشد.

احمدی و همکاران (2010) در مقاله «قنات: تاریخ زندگی در ایران» ضمن اشاره به سابقه ۲۵۰۰ ساله قنات در ایران و نقش مهم آن در برداشت آب، معتقدند در حالی که قنات‌ها در ایران حدود ۱۵ درصد از کل نیاز آبی کشور را تأمین می‌کنند، در دهه‌های اخیر به دلیل تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی و نیز تغییر فناوری رو به فراموشی گذاشته‌اند. این مقاله استدلال می‌کند که کنار گذاشتن فرهنگ سنتی مدیریت آب در ایران سبب پیامدهای منفی زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی در ایران به‌ویژه فلات مرکزی ایران شده است؛ بنابراین، درپیش‌گرفتن راه‌حل‌های افزایش کارایی قنات‌ها برای دستیابی به توسعه پایدار در مدیریت منابع آبی ایران را ضروری می‌دانند.

نقد و ارزیابی

در بیشتر پژوهش‌های مذکور، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات به شکل توصیفی است. مقاله حاضر از دو نظر با پژوهش‌های پیشین تفاوت دارد: تفاوت اول در شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌هاست. به این معنا که مقاله حاضر با روش زمینه‌ای استروس و کوربین موضوع مطالعه شده را بررسی کرده است و سعی در درک معنایی و شناخت عمیق ذهنیت پاسخگویان درباره موضوع دارد. تفاوت دوم در جامعه مطالعه شده است. این پژوهش بحران آب در شهرهای زیار، اژیه و ورزنه در شرق اصفهان را بررسی کرده است.

روش پژوهش

نظر به اینکه هدف این پژوهش بازنمایی معنایی بحران آب در شرق اصفهان است، در آن از روش پژوهش کیفی استفاده شده است. پژوهشگر برای رسیدن به این هدف برای گردآوری اطلاعات از فن مصاحبه نیمه‌ساخت یافته و در مرحله تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش نظریه زمینه‌ای استروس و کوربین بهره برده است.

کشور و هزینه‌های سیاسی مؤثر در ایجاد تغییرات بنیادین مورد نیاز در بخش آب همچون افزایش قیمت آب و برق. رضایی و همکاران (2016) در مقاله «شناسایی و توضیح اثرات خشکسالی در مناطق روستایی ایران از دیدگاه کشاورزان (مطالعه موردی: روستای اسفجین، استان زنجان)» با روش پیمایشی چهار عامل اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و روان‌شناختی را در تبیین آثار خشکسالی در روستای اسفجین شناسایی کرده‌اند. در این زمینه آنان پیشنهادها را به دولت می‌دهند: در بعد اقتصادی، پرداخت وام، تخصیص بودجه برای امکانات کشاورزی و تنوع بخشی به مشاغل؛ در بعد زیست‌محیطی، شناسایی گونه‌های گیاهی سازگار با آب و هوای این منطقه و تجهیز منطقه به سیستم آبیاری قطره‌ای؛ در بعد اجتماعی و روان‌شناختی ایجاد سازمان‌ها و نهادهای قانونی و قضایی برای حل و فصل اختلافات آبی و نیز ایجاد راهکارهای مشاوره‌ای برای کاهش استرس و تنش کشاورزان در زمان خشکسالی.

مدنی (2014) در مقاله «مدیریت آب در ایران: علت ظهور این بحران چیست؟» با اشاره به بحران جدی آب در ایران سه دلیل عمده رشد سریع جمعیت و توزیع نامتناسب آن، ناکارآمدی بخش کشاورزی و سوءمدیریت و عطش توسعه در ایران را به منزله علت بحران آب در کشور شناسایی می‌کند. این مقاله برای تأمین منابع پایدار آب راهکارهای خروج از بحران از جمله تغییر الگوی کشت، افزایش قیمت آب و برق، تشکیل تعاونی‌های مدیریت کشاورزی و ایجاد یک بازار آب کارآمد را به دولت پیشنهاد می‌دهد.

کشاورز و همکاران (2013) در مقاله «تجربه اجتماعی خشکسالی در ایران روستایی» با درپیش‌گرفتن روش زمینه‌ای، دو روستا در استان فارس را بررسی کرده‌اند و ضمن اشاره به آسیب‌های اقتصادی ناشی از بحران آب در این استان، نسبت به پیامدهای اجتماعی بحران آب هشدار می‌دهند. آنها معتقدند خشکسالی و مشکلات مربوط به دسترسی به آب ممکن است طیف وسیعی از معضلات اجتماعی و مشکلات مربوط به حوزه سلامت همچون مهاجرت از روستا به شهر، فروپاشی

مشارکت‌کنندگان و نمونه‌گیری

در این پژوهش برای درک عمیق دنیای ذهنی مشارکت‌کنندگان، با ۱۷ نفر از کشاورزان سه شهر زیار، اژیبه و ورزنه در شرق اصفهان مصاحبه‌های نیمه‌ساخت یافته انجام شد. از مزایای انتخاب این افراد آن است که آنان از کشاورزان درگیر بحران آب در شرق اصفهان‌اند؛ بنابراین، در زمینه موضوع پژوهش اطلاعات مفیدی در اختیار داشتند.

برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری هدفمند و برای گردآوری داده‌های مناسب از نمونه‌گیری نظری استفاده شده است. بر این اساس در حالی که نمونه‌گیری هدفمند افراد مصاحبه‌شده را برمی‌گزیند، نمونه‌گیری نظری براساس

مفاهیمی انجام می‌شود که در طی تحلیل ظهور می‌یابند (محمدپور و رضایی، ۱۳۸۸: ۱۸)؛ به‌علاوه حجم نمونه و روش محاسبه داده‌ها از نوع اشباع نظری است؛ بر این اساس نمونه‌گیری تا جایی ادامه یافت که پژوهشگر به این نتیجه رسید که اطلاعات جدیدی به دست نیامده و داده‌های گردآوری‌شده تکرار داده‌های قبلی است. پژوهشگر برای انجام مصاحبه‌ها، در چند مرحله در شهرهای مذکور حاضر و پس از انجام ۷ مصاحبه اشباع نظری حاصل شد؛ اما برای اطمینان بیشتر، مصاحبه‌ها تا ۱۷ مورد ادامه یافت. در زیر جدول اطلاعات کشاورزان آورده شده است.

جدول ۱- اطلاعات کشاورزان شرکت‌کننده در مصاحبه

تعداد	وضعیت سنی
۳	۲۰-۴۰
۷	۴۱-۶۰
۷	۶۱-۸۰
تعداد	وضعیت تحصیلات
۳	بی‌سواد
۴	ابتدایی
۳	متوسطه اول
۴	متوسطه دوم و دیپلم
۳	کارشناسی

شناسایی مقوله‌ها و پروراندن آنها اساسی است، متضمن مقایسه مقولات با مفاهیم مشابه یا متفاوت است (استروس و کوربین، ۱۳۹۰: ۱۱۶). مقایسه‌های ثابت نیز مستلزم سه مرحله کدگذاری اطلاعات شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی‌اند.

فرایند کدگذاری باز به پژوهشگر کیفی این امکان را می‌دهد که به‌طور عمیق در محتوا و ظرایف اطلاعات تأمل و آنها را مفهوم‌سازی کند. در این مرحله پژوهشگر برای شناخت کدهای متداخل و مشابه، کدها را مقایسه و تلاش می‌کند مفاهیم را اشباع کند. در این مقاله، کدگذاری باز در واحد سطر به‌سطر انجام شده است. به این معنا پس از استخراج مجموعه‌ای از مفاهیم اولیه، انبوه مفاهیم براساس مقایسه‌های ثابت به تعدادی مقوله عمده کاهش یافتند. در

فنون گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات

همان گونه که پیشتر ذکر شد در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از فن مصاحبه نیمه‌ساخت یافته استفاده شده است. همزمان با انجام مصاحبه‌ها، کدگذاری اطلاعات شروع شد؛ سپس اطلاعات با استفاده از نظریه زمینه‌ای تحلیل شدند. در تحلیل کیفی اطلاعات، کد، سازه‌ای محقق‌ساخته^۱ است که نقش آن نمادپردازی است؛ این نمادها معنایی تفسیرشده را به هر یک از اطلاعات نسبت می‌دهند تا به این شکل به کشف الگو، مقوله‌بندی، ساخت نظریه و دیگر فرایندهای تحلیل منتهی شود (سالدن، ۱۳۹۵: ۶). در اینجا فرایند کدگذاری مستلزم استفاده از روش مقایسه‌های ثابت^۲ است. این مرحله که برای

^۱ Researcher-generated

^۲ Constant Comparative Method

میدان مطالعه پژوهش حاضر شهرهای زیار، اژیه و ورزنه در شرق اصفهان است. استان اصفهان با مساحتی حدود ۱۰۷۰۱۹ کیلومتر مربع در فلات مرکزی ایران قرار دارد و از جانب شمال با استان‌های مرکزی، قم و سمنان، از جنوب با استان‌های فارس و کهگیلویه و بویراحمد، از شرق با یزد و از غرب با استان‌های لرستان و چهارمحال و بختیاری هم‌جوار است (اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان، ۱۳۹۳: ۲). طبق آخرین آمار مربوط به تقسیمات کشوری در سال ۱۳۹۲ استان اصفهان از ۲۴ شهرستان، ۱۰۷ شهر، ۱۵ بخش و ۱۲۷ دهستان تشکیل شده و مرکز آن شهر اصفهان است. شهرستان اصفهان از ۶ بخش «بن رود، جرقویه سفلی، جرقویه علیا، جلگه، کوهپایه و مرکزی» تشکیل شده است که این ۶ بخش خود شامل ۱۴ شهر و ۱۹ دهستان است. همچنین زاینده‌رود به‌منزله بزرگ‌ترین رودخانه دائمی فلات مرکزی ایران از ارتفاعات زردکوه بختیاری در جنوب‌غربی اصفهان و از بخش شورآب تنگ گزی استان چهارمحال و بختیاری سرچشمه گرفته و پس از طی مسیر ۳۶۰ کیلومتری از غرب به شرق استان و با وسعت حوضه آبریز ۲۶۹۱۷ کیلومتر مربع به تالاب گاوخونی منتهی می‌شود (شفقی، ۱۳۸۱: ۱۱۳). از این مساحت ۹۳ درصد در استان اصفهان و ۷ درصد در استان چهارمحال و بختیاری قرار دارد که بر این اساس ۹۸ درصد جمعیت حوضه آبریز زاینده‌رود، در استان اصفهان و ۲ درصد باقی‌مانده در استان چهارمحال و بختیاری ساکن‌اند. زیار، اژیه و ورزنه از جمله شهرهای مستقر در امتداد رودخانه زاینده‌رودند که به ترتیب در بخش‌های مرکزی، جلگه و بن رود قرار گرفته‌اند. بین شهرها و دهستان‌های مستقر در این سه بخش، این سه شهر نزدیک‌ترین شهرها به رودخانه زاینده‌رودند که در طول تاریخ و به‌واسطه پیشه کشاورزی مردم این منطقه، از حفاقه‌داران تاریخی و قانونی نیز محسوب می‌شوند. بر این اساس فهم تجربه زیسته مردم این سه شهر از بحران آبی موجود اهمیت دارد. طبق برآوردهای مرکز آمار ایران، تا سال ۱۳۹۰ جمعیت اژیه ۳۴۸۱ نفر و جمعیت ورزنه ۱۱۹۲۴ نفر بوده است.^۶

مرحله کدگذاری محوری، پژوهشگر مقوله‌های عمده به‌دست‌آمده را براساس ابعاد شرایطی، تعاملی - فرایندی و پیامدی دسته‌بندی کرد. در این مرحله پژوهشگر باید بتواند طی فرایندی منظم و منطقی، از طریق خط داستان^۱ بین یافته‌های پژوهش پیوند برقرار کند و آنها را به نگارش درآورد. این فرایند به تنظیم منطقی و تحلیلی اطلاعات کمک می‌کند و شرایط را برای کدگذاری گزینشی و استخراج مقوله هسته فراهم می‌کند. سومین مرحله کدگذاری، کدگذاری گزینشی (انتخابی) است. در این مرحله پژوهشگر تلاش کرد پس از بررسی دقیق تمام یافته‌ها و کدهای به‌دست‌آمده، مقوله‌ای را به‌منزله مقوله هسته انتخاب کند که بتواند نکته اصلی یافته‌ها را تبیین کند. در این مرحله که نظریه زمینه‌ای به شکل نهایی خود نزدیک شده است، تلاش می‌شود از طریق یکپارچه‌سازی مقوله‌ها یعنی تعیین شرایط زمینه‌ای و تأثیرگذار بر مقوله هسته، راهبردهای در پیش گرفته‌شده توسط مشارکت‌کنندگان و پیامدهای این راهبردها، الگوی پارادایمی پژوهش ترسیم شود.

اعتبار پژوهش زمینه‌ای

پس از ساخت نظریه زمینه‌ای، بحث اعتبارسنجی آن مطرح می‌شود. در این زمینه برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد^۲ از چند روش استفاده شد. بر این اساس، طبق روش کنترل اعتباریابی توسط اعضا^۳، از مشارکت‌کنندگان خواسته شد کلیت یافته‌ها را بررسی و درستی آنها را ارزیابی کنند. در روش دوم براساس مقایسه تحلیلی^۴، به اطلاعات خام رجوع شد و نظریه به‌دست‌آمده با اطلاعات خام مقایسه و ارزیابی شد. سرانجام براساس روش تکنیک ممیزی^۵، در تمامی مراحل کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات، استادان آشنا با نظریه زمینه‌ای بر کار نظارت داشتند (بوستانی و محمدپور، ۱۳۸۸: ۱۵۶-۱۵۵).

میدان مطالعه

^۶ با توجه به اینکه زیار واقع در بخش مرکزی شهرستان اصفهان، در بهمن‌ماه ۱۳۹۱ از روستا به شهر تبدیل شد، در سرشماری جمعیت سال ۱۳۹۰ جمعیت آن به‌طور مجزا محاسبه نشده است.

^۱ Story Line

^۲ Trust Worthiness

^۳ Member Check

^۴ Analytical Comparson

^۵ Auditing

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر در مرحله کدگذاری باز، ۳۵ مفهوم اولیه استخراج شد که پس از تبدیل آنها به مفاهیم انتزاعی در قالب ۱۶ مقوله اصلی قرار گرفت. در مرحله کدگذاری گزینشی، با

توجه به مقولات به دست آمده، یک مقوله هسته استخراج شد که مقوله محوری و اساسی پژوهش محسوب می‌شود. مفاهیم اولیه، مقوله‌های اصلی و مقوله هسته که در خلال تحلیل مصاحبه‌ها استخراج شده‌اند، در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- مفاهیم اولیه، مقوله اصلی و مقوله هسته

مقوله هسته	مقوله‌های اصلی	مفاهیم اولیه
حکمرانی غلط آب	غفلت از توسعه پایدار	اقدامات غیرکارشناسی، انتقال آب، ذهنیت فن‌سالار، جانمایی غلط صنعت، الگوی غلط کشاورزی
	طرح‌های نیمه‌تمام	لغو طرح تونل بهشت‌آباد، لغو طرح تونل سوم کوهرنگ
	نداشتن نگاه کلان و ملی	اقدامات تفرقه‌افکنانه مسئولان، غلبه نگرش منافع قومی و محلی بر منافع ملی
	حاکمیت‌نداشتن قانون	پایبند نبودن به قانون آب، پایبند نبودن به طومار شیخ بهایی
	ضعف اقتدار سیاسی	هراس دولت، تعویق بحران‌ها به آینده
	انحصارات اقتصادی	اقلیت برخوردار از منافع گردشگری، مافیای محصولات کشاورزی
	تغییر شرایط اقلیمی	خشکسالی، ترسالی
	مهاجرت شهری	مهاجرت کاری، مهاجرت دائمی
	سرخوردگی سیاسی و اجتماعی	ناامیدی از حل بحران، تفرقه بین کشاورزان
	چانه‌زنی با دولت	نوشتن طومار، مطالبه‌گری از نمایندگان
	شورش	شکستن لوله انتقال آب یزد، تحصن و تهدید
	گسترش فقر	بیکاری، وابستگی به پارانه دولتی
	گسترش فعالیت‌های غیرمولد	مشاغل کاذب، از بین رفتن تولید
	راهبردهای اقتصادی جایگزین	گردشگری، تغییر الگوی کشت محدود
	فعال شدن شکاف دولت - ملت	تشدید اختلافات قومی، کاهش اعتماد سیاسی
	چالش‌های امنیتی	برخورد خشونت‌آمیز، ترس و نگرانی

مقوله‌های پژوهش

شرایط علی

غفلت از توسعه پایدار

غفلت از توسعه پایدار از مقولات اصلی پژوهش است که شامل مفاهیم اولیه‌ای همچون طرح‌های غیرکارشناسی، انتقال آب، ذهنیت فن‌سالار، جانمایی غلط صنعت و الگوی غلط کشاورزی است. بر این اساس، کشاورزان مصاحبه‌شده

معتقدند در سال‌های پس از انقلاب در نتیجه رویکردهای غلط به توسعه و دیدگاه‌های فن‌سالارانه حکومت، سدسازی، تمرکز صنایع آب‌بر، طرح‌های غیرکارشناسی توسعه کشاورزی و انتقال آب در حوضه آبی زاینده‌رود افزایش یافت و این حوضه را با بحران آب درگیر کرد. در این زمینه یکی از کشاورزان (۵۲ساله، دیپلم) معتقد است:

«ببینید اصلاً به‌طور کل توسعه ناپایداره. بروزش به این شکل هست که یه جایی صنعت داره اشتباه حرکت می‌کنه

می‌شه ۶ درصد. ۶ درصد واقعاً خیلی مؤثره؟ هیچی نیست. در مقابل اون دریای آبی که داره به خلیج فارس می‌ریزه». در مقابل معدودی از کشاورزان معتقدند اجرای این طرح‌ها کارشناسی نیست و در نهایت سبب تشدید بحران آب می‌شود. در این زمینه کشاورز (۵۶ساله، متوسطه اول) معتقد است:

«الان ظرفیت کارون ۱۸ میلیارد متر مکعبه که نسبت به قبل می‌زنش کم شده. اگه الان خوزستانی‌ها کوتاه می‌اومدن بعد چند سال به سرنوشت اصفهان دچار می‌شدند».

نداشتن نگاه کلان و ملی مسئولان محلی

این مقوله شامل مفاهیم اولیه اقدامات تفرقه‌افکنانه مسئولان و نیز تفرق نگرش قومی و محلی بین آنان است. به این معنا با توجه به اهمیت دو طرح آب‌رسانی در دست اجرا یعنی تونل بهشت‌آباد و تونل سوم کوهرنگ، کشاورزان بر این باورند که در نتیجه اختلافات بین‌استانی و محلی - که بیشتر از سوی مسئولان به آن دامن زده می‌شود - طرح‌های آبی مزبور پس از گذشت سال‌ها همچنان مسکوت مانده است. به باور کشاورزان، مقامات محلی از جمله نمایندگان مجلس و استانداران در استان‌های هم‌جوار اصفهان با تهییج مردم محلی مانع از اعتمادسازی بین استان‌های حوضه زاینده‌رود می‌شوند و در این راه مانع تراشی می‌کنند. کشاورز (۵۴ساله، ابتدایی) می‌گوید:

«بین من نمی‌دونم چه حسابیه که استانداری میاد تو چهارمحال و بختیاری و مردمش رو به‌زور وادار به شورش می‌کنه. نماینده (مجلس) مردم رو به‌زور جمع می‌کنه. چه اتفاقی افتاده؟ چرا اینجور باید باشه؟».

کشاورز دیگری (۴۴ساله، متوسطه دوم) معتقد است:

«عموم مردم مثلاً چهارمحال و بختیاری و خوزستان هیچ مشکل و نگرانی ندارند از اینکه ۳ درصد یا حداکثر ۶ درصد آب کارون بیاد این طرف؛ ولی یه جمعی هستند نماینده‌هاشون که متأسفانه اینا نماینده همه کشور هستند یا مسئولان استانی شون که رفتار تحریک‌آمیز دارند و مردم رو تهییج می‌کنند و دامن زدن به مسائل قومی».

شرایط زمینه‌ای

یه جا خود کشاورزی اشتباه حرکت می‌کنه. یه جا کشاورزی اصلاً سابقه نداره. نباید اجازه کشاورزی بدن. توسعه ناپایدار و بدون فکر کارکردن نتیجه اش همین می‌شه».

کشاورز دیگر (۵۶ساله، متوسطه اول) می‌گوید:

«بعضی عوامل هم سلیقه‌ای بوده دیگه؛ متأسفانه هر رییس جمهوری اومده به نوعی خواسته خودشو مطرح کنه. آقای احمدی‌نژاد بلند شد رفت اونجا (چهارمحال و بختیاری) گفت رییس آب منم و برید شما برداشت کنید. یا مثلاً آقای خاتمی آب یزد رو برد، آقای روحانی بهشت آباد رو تعطیل کرد».

کشاورز دیگری نیز (۲۸ساله، کارشناسی) معتقد است:

«من خودم مثلاً الان با اومدن این حجم آب به ورزنه مخالفم. باید قطره‌ای بشه. مثلاً پارسال من وقتی می‌رفتم سالن قارچ، یه زمین دوجریبی بود با تراکتور حجم زیادی آب پمپ می‌شد. رفتم پر بود، وقتی نیم ساعت بعد برگشتم، دیدم هنوز داره آب میره. در صورتی که این زمین اینقدر آب نمی‌خواد».

شرایط تأثیرگذار

طرح‌های نیمه‌تمام توسعه منابع آبی

این مقوله شامل مفاهیم اولیه لغو طرح تونل بهشت‌آباد و لغو تونل سوم کوهرنگ است. این دو از طرح‌هایی هستند که طیفی از موافقان و مخالفان را دارند. کشاورزان معتقدند سال‌ها قبل دولت خود را متعهد کرد با اجرای دو طرح مذکور به ترتیب ۲۵۰ و ۵۸۰ میلیون متر مکعب آب (حدود ۶ درصد) را از حوضه آبی دز-کارون به استان‌های اصفهان، چهارمحال و بختیاری و یزد منتقل کند. یکی از کشاورزان (۴۸ساله، دیپلم) در دفاع از لزوم اجرای این دو طرح می‌گوید:

«اینا (تونل بهشت‌آباد و تونل سوم کوهرنگ) سرجمع آبی که میارند به نسبت کل آورد یا دبی سالیانه حوضه دز و کارون یه چیزی نزدیک به ۳درصده. تونل سوم کوهرنگ با ۲۵۰ میلیون متر مکعب در سال آورد اگر اتفاق بیفتد با بهشت‌آباد که اونم ۵۶۰ یا ۵۷۰ میلیون متر مکعب هست اینام سرجمعش همون ۸۰۰ یا ۸۵۰ میلیون متر مکعب می‌شه. اینام جمعش می‌شه ۳ درصد که با اون ۳ درصد قبلی

حاکمیت‌نداشتن قانون

بارزترین مقوله‌ای که از منظر کشاورزان شرق اصفهان، زمینه‌ساز تشدید بحران آبی موجود شده است، حاکمیت‌نداشتن قانون در سطوح مختلف حاکمیتی و محلی است. این مقوله دربردارنده مفاهیم اولیه پایبندبودن به قانون آب و پایبندبودن به طومار شیخ بهایی است. براساس درک و تفسیر کشاورزان شرکت‌کننده در مصاحبه، در سال‌های اخیر علاوه بر آنکه قوانین موجود از جمله ماده ۱۵۸ و ۱۵۹ قانون مدنی مبنی بر تقدم زمانی استفاده از رودخانه نقض شده است، طومار شیخ بهایی به منزله قانونی محلی - که در طول قرون مبنای تخصیص و توزیع آب زاینده‌رود بوده است - نیز نقض شده است. در این زمینه یکی از کشاورزان (۶۹ساله، متوسطه اول) می‌گوید:

«زاینده رود از قدیم الایام براساس طومار منسوب به شیخ بهایی اداره می‌شده. براساس اون سی و سه سهم حقاچه که سی و سه نفر از نمایندگان هر سهم می‌نشستند و طبق قوانینی که توی طومار قید شده از بین خودشون تیم کوچک تری را انتخاب می‌کردند، نهایتاً می‌رسیده به سه نفر. از اون سه نفر یک میراب مشخص می‌شده. حکم میراب رو شاه می‌زده. در این حد اهمیت داشته که حکم میراب رو شاه می‌زده. خب سی‌چهل ساله که اون نظام رفت به کنار و الان نظام دست کسانی افتاده که بی‌خبر بودند و زاینده‌رود رو به اینجا رسوندند.»

کشاورز دیگر (۵۰ساله، دیپلم) درباره بی‌توجهی به اصول قانونی مربوط به آب چنین بیان می‌کند:

«اصلش ببینید رعایت نکردن قانون آب هست. ماده ۱۵۸ و ۱۵۹ قانون مدنی ما که زیربنای همه قوانینمونه، صراحتاً اعلام کرده که حق شق نهر و پمپاژ آب وجود نداره. اینجا قانون زیر پا گذاشته شده.»

ضعف اقتدار سیاسی

این مقوله از مفاهیم اولیه هراس دولت و تعویق بحران‌ها به آینده تشکیل شده است. در اینجا به نظر می‌رسد بخشی از توانایی‌نداشتن برای تصمیم‌گیری جامع درباره بحران آب و مدیریت منابع آبی در کشور، به ضعف ساخت سیاسی و

وجودنداشتن امکان اجماع درباره این بحران ازسوی ساخت سیاسی مربوط است. کشاورزان معتقدند هراس دولت از شکاف‌های قومی مستقر در حوضه زاینده‌رود و رویه تعویق بحران‌ها به آینده، نشان‌دهنده ضعف اقتدار سیاسی و ناتوانی در گرفتن تصمیمات اساسی است. در این زمینه یکی از کشاورزان (۲۷ساله، کارشناسی) می‌گوید:

«به نظر میاد حاکمیت به این نتیجه رسیده که اصفهان استانی هست که مرکز هلی در خوزستان شکاف‌های قومی - مذهبی خیلی پررنگه و از نظر موقعیت جغرافیایی هم بالاخره استان مرزیه و اگر در خوزستان اتفاقی بیفته و بین اقوام دعوایی رخ بده و بحث‌های جدایی طلبی که در خوزستان هست دولت ترجیح می‌ده با مردم اصفهان مقابله کنه تا خوزستان؛ چون واقعاً هزینه‌اش براش کمتره.»

یکی از کشاورزان دیگر (۵۶ساله، متوسطه اول) معتقد است:

«خب ببینید به هر صورت دولت یه روشی داره که هی می‌گه حالا بذار امسالو رد کنیم ببینیم چیطور می‌شه که من این روش رو غلط می‌دونم. این روش هم دردسر ما رو زیاد می‌کنه هم در آینده دردسر دولت رو زیاد می‌کنه. اینه که دولت باید یه فکر اساسی بکنه.»

کشاورز دیگری (۵۶ساله، دیپلم) می‌گوید:

«باید یه قدرتی تو مملکت باشه. بین یه جاهایی اغماض جواب نمی‌ده. یه جایی باید حکم حکومتی اجرا بشه. یه جا باید اقتدار دولتی باشه؛ یعنی اقتدار دولتی فدای بحثای قومیتی نشه. الان دیگه فقط بحث اصفهان نیست عملاً سه چهار استان درگیرشند.»

تغییر شرایط اقلیمی

این مقوله، دو کد اولیه خشکسالی و ترسالی را دارد. بر این اساس کشاورزان معتقدند خشکسالی و ترسالی دو پدیده طبیعی‌اند که همواره وجود داشته‌اند؛ بنابراین، به باور آنها برخلاف گفتمانی که تلاش دارد خشکسالی‌های اخیر را عامل مستقیم و اصلی بحران آبی موجود قلمداد کند، تغییر شرایط اقلیمی تنها زمینه‌ساز بحران آب و نه علت اصلی آن بوده است. یکی از کشاورزان (۷۵ساله، بی‌سواد) چنین بیان می‌کند:

راهبردهای اقتصادی جایگزین

این مقوله از دیگر مقولات اصلی پژوهش است که دو مفهوم اولیه گردشگری و تغییر الگوی کشت محدود در طیف پذیرش را دارد. کشاورزان معتقدند در سال‌های اخیر با توجه به گسترش بحران آب و خشک شدن بسیاری از زمین‌ها، بخشی از مردم تلاش کرده‌اند با روی آوردن به مشاغل جدید، امرار معاش کنند. شهر ورزنه در قسمت بن رود، در سال‌های اخیر با سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری توانسته است رونق نسبی به شهر دهد. با این حال کشاورزان شرکت‌کننده در مصاحبه، اگرچه گردشگری را پدیده‌ای مثبت ارزیابی می‌کنند، معتقدند پاگیری گردشگری در ورزنه بیشتر برای نسل جوان کارآمد است تا نسل قدیمی‌تر. در این زمینه کشاورز (۵۷ساله، متوسطه دوم) معتقد است:

«بینید تو سال‌های اخیر با توجه به خشک شدن خیلی از زمین‌ها ما تلاش کردیم رو بخش گردشگری در ورزنه سرمایه‌گذاری کنیم؛ اما برای شهری که بالای نود درصد مردمش کشاورزی می‌کردن و این حرفه آبا و اجدادی شونه و می‌خوان کشاورزی رونق داشته باشه، گردشگری بیشتر برای جوون‌ترای شهر می‌تونه خوب باشه نه واسه منی که همیشه کشاورز بودم».

یکی دیگر از کشاورزان (۵۲ساله، دیپلم) در این زمینه می‌گوید:

«خوشبختانه از امکانات طبیعی که اونجا هست با پیداشدن به سرمایه‌گذار دارند اونجا کار می‌کنند. به عده‌ای هم درگیر شدند و دارند استفاده می‌کنند؛ ولی این به چیز جانبی هست و نمی‌تونه جایگزین کشاورزی بشه».

با گسترش بحران آب در شرق اصفهان برخی کشاورزان تلاش کرده‌اند با روی آوردن به الگوهای کشت جایگزین اندکی در وضعیت خود تغییر ایجاد کنند؛ اما به‌طور عمده به دلیل هزینه‌های بالا این تغییرات فراگیر نبوده است. در این زمینه یکی از کشاورزان (۵۴ساله، ابتدایی) می‌گوید:

«الان که من اینجا نشستم صبح خیار بردم میدون برا من فروخته کیلویی ۴۰۰ تومن، خب هزینه گاز، آب، پوشش پلاستیکی، کارگر و برقم هست و تمام این هزینه‌ها رو که الان جمع کردم با کیلویی ۴۰۰ تومن اصلاً جوابگو نیست گلخونه».

«حدود شصت سال بالاتر من کشاورز بودم و این خشکسالی بالاخره بوده؛ اینجور نیست که نبوده. ما هم خشکسالی‌اش رو دیده‌ایم هم ترسالی‌اش رو دیده‌ایم. ما از ترسالی هم رنج برده‌ایم؛ یعنی آب زیاد. منطقه آب زیادی بود و حاصل‌هاش از بین می‌رفت».

کشاورز دیگری (۷۱ساله، متوسطه اول) نیز می‌گوید:

«اصلاً بین می‌گند خشکسالی اومده، مگه ما توی عمرمون خشکسالی ندیدیم؟ مگه چقدر بارون کم اومده. اینجا اصلاً آب نیست. این یعنی اینکه باید اصلاً بارون نیومده باشه. شما باشی باور می‌کنی؟!».

راهبرد کنش - واکنش

مهاجرت شهری

راهبرد کشاورزان شهرهای بررسی شده در مقابل بحران آب را می‌توان در یک طیف پذیرش-مقاومت دسته‌بندی کرد. مقوله مهاجرت شهری با مفاهیم اولیه مهاجرت دائمی و مهاجرت کاری، از جمله راهبردهای به کار گرفته‌شده توسط کشاورزان در طیف پذیرش است؛ به‌طور کلی مهاجرت می‌تواند با تأثیر گرفتن از عوامل گوناگونی روی دهد. در سال‌های اخیر بخشی از مردم شرق اصفهان به‌واسطه مشکلات اقتصادی و اجتماعی ناشی از بی‌آبی به شکل فزاینده‌ای در حال مهاجرت‌اند. به گفته کشاورزان این مهاجرت‌ها به دو شکل دائمی و کاری صورت گرفته است. یکی از کشاورزان (۲۷ساله، کارشناسی) که به شکل دائمی به شهر اصفهان مهاجرت کرده است، می‌گوید:

«الان خود من، دو تا برادر، پسر دایی‌ام، چهار تا از خانواده‌عموم، دو تا دیگه از خانواده‌های عموم که کلاً اومدند. خیلی مهاجرت کردند».

به گفته کشاورزان، برخی از مردم نیز مهاجرت کاری به شهرهای اطراف داشته‌اند. این نوع مهاجرت در شهر زیار که در نزدیکی شهر اصفهان است، بیشتر به چشم می‌خورد. در این زمینه یکی از کشاورزان (۶۹ساله، دیپلم) معتقد است:

«اینجا خیلی از مردم مهاجرت نکردند؛ چون زیار جویری نیست که خیلی از اصفهان دور باشه. اینجا و اونجا خیلی فرقی نداره. حتی آگه کارگرم باشه می‌تونه صبح بره و شب برگرده».

چانه‌زنی با دولت

این مقوله نیز از مقولات اصلی است که شامل مفاهیم اولیه نوشتن طومار و مطالبه‌گری از نمایندگان است و در طیف پذیرش قرار دارد. به گفته کشاورزان شرکت‌کننده در مصاحبه، در دو دهه اخیر گفتگو و مذاکره با رده‌های مختلف حاکمیت و پیگیری مطالبات با روش‌های مسالمت‌آمیز همواره صورت گرفته است که در طیف پذیرش قرار می‌گیرد. کشاورز (۷۰ساله، ابتدایی) که خود از افراد پیگیر حقابه شرق اصفهان است، می‌گوید:

«سی ساله در حال مبارزه هستیم. ۱۵سالش با گفتگو بوده؛ یعنی تا سال ۷۵-۷۴ اوضاع به این صورت حاد نبود، ۷۵-۷۴ خیر اومد که داره رودخونه خشک می‌شه. از اون زمان ما با همه نمایندگان مجلس صحبت داشتیم. با وزرا صحبت داشتیم».

کشاورز دیگری (۵۷ساله، ابتدایی) نیز در این باره می‌گوید:

«گفتند زیاد. نماینده‌ها اومدند تو مساجد، مردم همه چیز رو بشون گفتند؛ اما هیچ ترتیب اثری نکرد».

کشاورز (۷۳ساله، بی‌سواد) درباره پرکردن طومار برای مقامات دولتی می‌گوید:

«ما همون زمان (سال ۸۴) اومدیم یه طوماری روی یه پارچه نوشتیم، بیست‌سی مترم طولش بود و فرستادیم برای مجلس».

از سوی دیگر برخی راهبردها در طیف مقاومت قرار می‌گیرند؛ از جمله:

سرخوردگی سیاسی و اجتماعی

مقوله «سرخوردگی سیاسی و اجتماعی» در طیف پذیرش، دارای مفاهیم اولیه ناامیدی و تفرقه بین کشاورزان است. بر این اساس تعدادی از افراد شرکت‌کننده در مصاحبه معتقد بودند بعد از سال‌ها تلاش با استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز تا خشونت‌آمیز و دادن هزینه‌های مالی و جانی در این راه، از بهبود شرایط موجود ناامید و با پذیرش شرایط موجود، دچار انفعال سیاسی شده‌اند. یکی از کشاورزان

(۶۶ساله، بی‌سواد) چنین بیان می‌کند:

«ما دیگه ناامید شدیم چون هرچی نامه نوشتیم و هرچی نماینده‌هامون رفتند هیچ ترتیب اثری نداشت. مردم دیگه ناامید شدند، دیگه فایده‌ای نداره. بعدم هر کدومشون میان، می‌گن برید دنبال شغل دیگه».

کشاورزی دیگر (۲۴ساله، کارشناسی) ضمن اشاره به

ازین رفتن اتحاد کشاورزان منطقه، معتقد است:

«نه اصلاً هیچ درگیری رخ نمی‌ده. دیگه هم مردم هماهنگ نیستند. اون سال همه هماهنگ بودند. دیگه فکر نکنم درگیری بشه».

شورش

اگر دو مقوله شورش و سرخوردگی‌های سیاسی و اجتماعی، در دو سر یک طیف قرار داده شوند، تراکم کشاورزان معتقد به پیگیری مطالبات و ادامه اعتراضات در این طیف، به نفع مقوله اصلی «شورش» - در طیف مقاومت - با مفاهیم اولیه شکستن لوله انتقال آب یزد و تحصن و تهدید است. در سال‌های اخیر در نتیجه وجودنداشتن پاسخگویی و اثربخش نبودن سیاست‌های آبی دولت، مردم شرق اصفهان در اثر فشارهای اقتصادی و روحی، در مقاطع مختلف به اقدامات خشونت‌آمیز همچون شکستن لوله انتقال آب اصفهان به یزد و تجمعات اعتراض‌آمیز دست زده‌اند. کشاورز (۷۰ساله، ابتدایی) که خود در درگیری‌های مربوط به شکستن لوله انتقال آب به یزد حضور داشته است، می‌گوید:

«اعتراضات مردمی به جایی رسید که این مردم روبه روی دولت، چه دولت قبل (دولت دهم) چه دولت فعلی (دولت یازدهم) ایستادند و درگیر شدند. اصلش این بود که چرا وقتی آب نیومده، آب وارد حوضه زاینده‌رود نشده، حقابه مردم رو به یزد دادید. درگیر شدند و خسارت زیادی هم به ما وارد شد».

یکی دیگر از کشاورزان (۵۷ساله، ابتدایی) حاضر در

درگیری‌ها می‌گوید:

«سال ۹۲ دیگه کار به جایی رسید که اون درگیری‌ها ایجاد شد. رفتند لوله آب یزد رو شکستند. حالا اینها رو زیاد رسانه‌ای نکردند؛ اما فضا خیلی پرتنش و امنیتی شده بود».

کشاورز (۵۷ساله، ابتدایی) نیز می‌گوید:

«الان ۴ سال آقای روحانی، رییس جمهور بوده. هر چهار سال آب گرفتیم. همش با تحسن و تهدید».

پیامدها

گسترش فقر

این مقوله در بردارنده مفاهیم اولیه بیکاری و وابستگی به یارانه دولتی است. با توجه به اینکه پیشه بیشتر مردم شرق اصفهان کشاورزی و وابسته به جریان رودخانه زاینده رود است، در سال‌های اخیر به دنبال قطع جریان آب و خشک شدن بسیاری از زمین‌های کشاورزی، فقر در این منطقه گسترش یافته است.

در این زمینه کشاورز (۶۶ساله، بی‌سواد) چنین بیان می‌کند:

«آخه من الان کجا برم شغل دیگه پیدا کنم؟ کی منو کار می‌ده؟ یه کارخونه برم که می‌کن تو دیگه پیری به درد نمی‌خوری. راستش می‌کن».

یکی دیگر از کشاورزان (۲۴ساله، کارشناسی) در این زمینه

می‌گوید:

«آقایی که واسه خودش یه زمانی سرمایه دار اون منطقه بود، یعنی سه ماه می‌رفت گندم می‌کاشت حدود یک میلیارد فقط درآمد گندمش بود. الان بیکاره، نداره».

کشاورز (۷۰ساله، ابتدایی) از وابستگی مردم به یارانه

دولتی می‌گوید:

«(مردم) تا تونستن قناعت کردن، خیلی شون خدا سر شاهده دارن با همین یارانه سر می‌کنن».

حاشیه‌نشینی

این مقوله از دیگر مقولات اصلی است که در بردارنده دو مفهوم اولیه بزهکاری و تضاد فرهنگی است. به باور کشاورزان به دلیل بحران آب و شرایط نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی ناشی از آن، روند مهاجرتی به سمت کلان‌شهر اصفهان شکل گرفته است که به دلیل نبود هیچ‌گونه برنامه ریزی و پیش‌بینی برای جمعیت مهاجر از سوی دولت و نهادهای استانی مرتبط با آن، بیشتر این افراد از امکانات شغلی و رفاهی محروم مانده‌اند و در بعضی موارد به سبب فشارهای

اقتصادی و روانی به بزهکاری روی می‌آورند. در این زمینه کشاورز (۵۴ساله، ابتدایی) معتقد است:

«بین اصفهان ظرفیت پذیرش مهاجرها رو نداره. اون وقتم وقتی می‌رند و کار گیرشون نیاد دست به کارای خیلی بدی می‌زنن. دزدی، چه می‌دونم از همین کارا. خب وقتی کار نداشته باشه دست به همه کاری می‌زنه دیگه. مجبورند. اینه که اگه مهاجر زیاد رفت اصفهان برای اونجام خطرناکه».

از سوی دیگر به باور کشاورزان، فرهنگ سنتی شرق اصفهان با فرهنگ حاکم بر کلان‌شهر اصفهان تفاوت دارد و این موضوع در بدو ورود، مهاجران را با تضاد فرهنگی روبه‌رو می‌کند. کشاورز (۲۷ساله، کارشناسی) در این زمینه می‌گوید:

«از نظر فرهنگی مردمی دارند مهاجرت می‌کنند که فرهنگ شهرنشینی ندارند. شهری که ۲ میلیون ۳ میلیون جمعیت داره، فرهنگ‌های متفاوتی توش هست. نوع نگاه‌های متفاوتی توش هست».

کشاورز دیگری (۲۴ساله، کارشناسی) در این باره معتقد

است:

«زندگی تو اصفهان خیلی سخته؛ چون باید با فرهنگ اصفهان مانوس بشی. چون ما از فرهنگ دهاتیم دیگه، بخوایم وارد این منطقه بشیم خیلی سخته».

گسترش فعالیت‌های غیرمولد

این مقوله اصلی، در بردارنده مفاهیم مشاغل کاذب و از بین رفتن مشاغل تولیدی است. به این معنا کشاورزان معتقدند در نتیجه گسترش بحران آب و به دنبال آن، مهاجرت بخشی از جمعیت به شهرهای اطراف، تولید در این منطقه در حال نابودی است و مردم در حال روی آوردن به مشاغل کاذب و غیرمولدند. در این باره کشاورز (۷۲ساله، ابتدایی) می‌گوید:

«باور می‌کنی خانم، الان شیر داره از شهر میاد به روستا. در صورتی که قبلاً تمام گوشت و شیر و تخم مرغ، تمام این چیزایی که ارزاق اسمشه از روستا می‌رفت به شهر. الان معکوس شده».

کشاورز (۴۸ساله، دیپلم) در این زمینه می‌گوید:

«طرف رفته یه وانت خریده و داره کاغذ بازیافت می‌کنه؛ یعنی می‌رن شغل‌های کاذب برای خودشون درست می‌کنن».

جلسه داشتیم. اینها قول‌هایی دادند و قرار شد خساراتی رو به ما پرداخت کنند؛ اما هرچی شما خسارت گرفتی ما هم گرفتیم».

از سوی دیگر کشاورزان معتقدند در سال‌های اخیر و به دنبال افزایش تنش آبی در حوضه زاینده‌رود اختلافات قومی مستقر در این حوضه تشدید شده‌اند. کشاورز (۶۶ ساله، بی‌سواد) در این زمینه می‌گوید:

«بین ما تا قبل این خشکسالی و بحران آب همه با هم برادر بودیم. هیچ اختلافی بین قوم لر و ترک و فارس و تاجیک و هیچی نبود؛ ولی خشکسالی و این صحبتایی که آقای احمدی نژاد اونجا (چهارمحال و بختیاری) کرد، اینا داره دامن به این اختلافات می‌زنه».

چالش‌های امنیتی

این مقوله در بردارنده مفاهیم اولیه برخورد خشونت‌آمیز و ترس و نگرانی است. در این زمینه کشاورزان شرق اصفهان معتقدند مسئله آب در پیوند با امنیت کشور است و در مقاطعی همچون شکستن لوله انتقال آب به یزد، درگیری بین کشاورزان و نیروهای نظامی و امنیتی سبب برخوردهای خشونت‌آمیز شده و امنیت کشور به مخاطره افتاده است. آنان معتقدند در صورت ادامه روند موجود، در آینده تهدیدات امنیتی ناشی از بحران آب به مراتب بیشتر خواهد شد. کشاورز (۷۳ ساله، بی‌سواد) درباره درگیری‌های مربوط به شکستن لوله انتقال آب به یزد می‌گوید:

«خانم‌ها مون جمع شده بودند و دعا می‌خوندند که جوون‌ها با یگان ویژه درگیر نشن. برای چیزی دیگه نیومده بودن؛ ولی با خانم‌های ما درگیر شدن».

کشاورز دیگری (۵۶ ساله، متوسطه اول) درباره درگیری‌های آن زمان می‌گوید:

«بالای صد نفر از کشاورزای ورزنه تو اون اعتراض‌ها آسیب دیدن».

همین‌طور کشاورز (۵۴ ساله، ابتدایی) دیگری درباره فضای دلهره‌آور زمان اعتراضات چنین بیان می‌کند:

«این چهار تا آب که دادند رو همش ما چادر زدیم، تهدید کردیم و با خون جگر گرفتیم. ما بچه هامون شب تو چادر می‌خوابیدن واقعاً نگران کننده بود. هی نیروی انتظامی

یکی دیگر از کشاورزان (۷۵ ساله، بی‌سواد) می‌گوید: «الان یکی از این همسایه‌های ما از سر ناچاری رفته داره پلاستیک می‌فروشه».

انحصارات اقتصادی

این مقوله اصلی، در بردارنده مفاهیم اولیه اقلیت برخوردار از منافع گردشگری و مافیای محصولات کشاورزی است. همان‌طور که پیشتر گفته شد، در سال‌های اخیر به دنبال گسترش بحران آب و تبعات منفی اقتصادی آن در شرق اصفهان، تلاش‌هایی از جمله سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری و تغییر الگوی کشت محدود برای امرار معاش مردم منطقه صورت گرفت. با این حال کشاورزان معتقدند این اقدامات در عمل نتوانسته‌اند وضعیت اقتصادی مردم منطقه را بهبود چندانی ببخشند. در این زمینه کشاورز (۵۲ ساله، دیپلم) معتقد است:

«توریسم فقط برای خود ورزنه و اون شرکتیه که داره خدمات می‌ده. برای تعداد معدودی مفیده ولی در کل بخوای حساب کنی خیلی مؤثر نیست».

از سوی دیگر کشاورزان معتقدند این انحصارات به بخش گردشگری محدود نشده است و آنها به دلیل وجود مافیای محصولات کشاورزی در بازار نیز متضرر شده‌اند. کشاورز (۲۸ ساله، کارشناسی) می‌گوید:

«من خودمم پارسال (سالن) قارچ زدم که اصلاً بدترین کاره. چون قارچم مافیا توشه، می‌ری دو ماه باید شدیدی بدوی، آخرم چقد برات میفته؟ هفتصد تومن».

فعال‌شدن شکاف دولت-ملت

این مقوله اصلی، شامل مفاهیم اولیه کاهش اعتماد سیاسی و تشدید اختلافات قومی است. به باور کشاورزان در سال‌های اخیر دولت درباره حقایق و پرداخت خسارت کشاورزان وعده‌هایی داده است که در بیشتر اوقات این وعده‌ها عملیاتی نشده است. در این زمینه کشاورز (۵۶ ساله، دیپلم) که به نمایندگی از کشاورزان شرق پیگیر حقایق آنان است، می‌گوید:

«من و آقای (...) به عنوان نماینده کشاورزها بارها در دولت قبل (دولت دهم) با استاندار اصفهان و نهاد ریاست جمهوری از جمله آقای رحیمی، معاون اول رییس جمهور در دولت دهم،

می‌اومد تهدید می‌کرد».

مقوله هسته پژوهش: حکمرانی غلط آب

در این پژوهش «حکمرانی غلط آب» به منزله مقوله هسته از درون داده‌های زمینه‌ای استخراج شد. این مقوله انتزاعی‌ترین مقوله و پاسخ نهایی به سؤالات اصلی پژوهش است. براساس این مقوله مردم شهرهای زیار، اژیه و ورزنه در درک و تفسیر تغییرات ایجادشده در زندگی خود، بحران آب را به منزله پدیده‌ای درک می‌کنند که ملازم با حکمرانی غلط آب است. مقولاتی همچون توسعه ناپایدار، طرح‌های نیمه‌تمام توسعه آبی، اقدامات یک‌جانبه مسئولان استانی از یک سو و حاکمیت نداشتن قانون و ضعف اقتدار سیاسی از سوی نظام سیاسی همگی زیر حکمرانی غلط آب دسته‌بندی می‌شوند. همان گونه که در الگوی پارادایمی پژوهش آمده است تمامی ابعاد علی، زمینه‌ای و تأثیرگذار از مقولاتی‌اند که به شکلی به حکمرانی دولت مربوط‌اند. بر این اساس دولت به منزله متولی پیشبرد امر توسعه در دهه‌های اخیر با رویکردی غلط به توسعه هم سبب توسعه بی‌رویه کشاورزی در نقاط مختلف کشور شد هم به دلیل آموزش ندادن شیوه‌های مناسب کشت به کشاورزان سبب هدررفتن آب در بخش کشاورزی شد. از سوی دیگر دولت با دست‌اندازی بر مالکیت بخشی از رودخانه زاینده‌رود، انتقال آب به سایر استان‌ها را دنبال کرد. با این حال دولت با ناتمام گذاشتن دو طرح انتقال آب یعنی تونل بهشت‌آباد و تونل کوه‌رنگ، قادر به جایگزینی آب انتقالی نشد و بدین سان به تشدید بحران آب دامن زد. این دو طرح بیش از یک دهه است که تعیین تکلیف نشده‌اند و از طرح انتقال آب شرب اصفهان به یادگار مانده است. به باور کشاورزان اهالی شرق اصفهان به یادگار مانده است. به باور کشاورزان شهرهای مطالعه‌شده دلیل تعیین نشدن تکلیف طرح‌های توسعه منابع آبی، وجود سودبرندگان استانی و گروه‌های دارای نفوذ در استان چهارمحال و بختیاری است که مانع از اجرای این دو طرح می‌شوند. حاکمیت قانون درباره توزیع عادلانه آب در کشور نیز چندین بار توسط مسئولان حکومتی در سطوح

مختلف ملی و استانی زیر پا گذاشته شده است و به حکمرانی غلط آب تعین بخشیده است. همین طور ضعف اقتدار سیاسی مقوله‌ای مربوط به حکمرانی است. ضعف اقتدار سیاسی برای مقابله با قانون‌گریزی‌ها در استان چهارمحال و بختیاری بیش از پیش الگوی پارادایمی را به مقوله هسته حکمرانی غلط آب راهنمایی می‌کند.

اما موضوع مهمی که در اینجا وجود دارد مشخص شدن این مسئله است که در اساس حکمرانی غلط آب در حوضه زاینده‌رود چرا ایجاد شده است. استدلال اولیه مقاله این است که این حکمرانی غلط تابعی از دخالت‌های گسترده دولت در مناسبات حیات مادی به‌طور کلی و آب به‌طور خاص بوده است. مشارکت جهانی در آب^۱ (GWP) حکمرانی آب^۲ را به منزله مجموعه‌ای از نظام‌های سیاسی، اداری، اجتماعی و اقتصادی تعریف می‌کند که ایجاد و مدیریت منابع آب و انجام خدمات مربوط به انتقال آب به شکل مناسب را محقق می‌کند (GWP, 2013). در اینجا حکمرانی ناظر به مفهومی گسترده است که حکمرانی را در قالب یک نظام اجتماعی گسترده در نظر می‌گیرد که حکومت بخشی از آن است؛ اما تنها بخش آن نیست (Ruruitan, 2014: 106)؛ به عبارت دقیق‌تر، در اینجا حکمرانی آب ساختارها، رویه‌ها و فرایندهای رسمی و غیررسمی را در بر می‌گیرد (Heekstra et al., 2006 in Ruruitan, 2014: 106). یکی از گیراترین تحلیل‌ها در حوزه حکمرانی اقتصادی منابع طبیعی و از جمله آب، مباحث اقتصاددان سیاسی و برنده جایزه نوبل سال 2009 یعنی الینور استرم است. کانون تحلیل او بر نوعی حکمرانی اقتصادی و به عبارت دقیق‌تر، بر نحوه اداره یا مدیریت منابع طبیعی مشاع از جمله آب متمرکز بود. استرم نشان داد منابع طبیعی چگونه می‌توانند از سوی گروه‌هایی که از آنها استفاده می‌کنند به خوبی اداره و مدیریت شوند نه از سوی دولت. این شیوه نگرش در مقابل این دیدگاه رایج قرار گرفت که تا مدت‌ها تأکید می‌کرد منابع طبیعی مشاع تنها می‌توانند از سوی دولت یا شرکت‌های

¹ The Global Water Partnership

² water governance

بهایب اداره می‌شد، به تدریج زیر رژیم مالکیت دولتی درآمد که در نتیجه این اقدام، آن دسته از ترتیبات نهادی که بهره‌برداران محلی رودخانه زاینده‌رود در مسیر محدودسازی و امکان سازی استفاده از این منبع مشاع طراحی کرده بودند، به مرور جایگاه قانونی خود را از دست داد؛ بدین سان علاوه بر حقایق داران تاریخی و قانونی، بخشی از آب زاینده‌رود زیر مالکیت دولتی درآمد. چنانکه استرم نیز براساس مطالعات تجربی خود نشان می‌دهد آنجا که دولت بر منابع مشاع دست‌اندازی می‌کند، اثربخشی قواعد تضعیف می‌گردد؛ زیرا دولت بیشتر حامی منافع تجاری است تا حامی منافع محلی و پایداری منابع طبیعی (استرم، ۱۳۹۵: ۳۵۲). اتفاقی که در حوزه حکمرانی دولتی بر حوضه زاینده‌رود افتاد نیز تا حد زیادی بیان‌کننده همین وضعیت است. در قالب این شیوه از حکمرانی به تدریج ۳۵۴ میلیون متر مکعب از حجم آب زاینده‌رود در اختیار دولت قرار گرفت و به‌مرور حجم تخصیص‌های دولت از آب زاینده‌رود به ۱۰۲۸ میلیون متر مکعب رسید. این میزان تخصیص اضافی که از محل تصرف حقایق‌های تاریخی و قانونی زاینده‌رود تأمین شد (اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان، ۱۳۹۳: ۳)، با رویکردی که ناشی از نگاه دراساس تجاری به آب بود در قالب طرح‌های انتقال آب و برداشت‌های اضافی و طرح‌های توسعه کشاورزی و باغداری در استان چهارمحال و بختیاری نمود یافت؛ بدین سان این شیوه از حکمرانی، طومار شیخ بهایی را به کنار گذاشت؛ طوماری که در طول زمان به شکل رویه، ساختار و فرایندی غیررسمی درآمده بود و در هیئت یک نهاد محلی سازوکار توزیع آب را مدیریت می‌کرد؛ به عبارت دیگر، این طومار که نمونه مشخصی از آن چیزی بود که استرم آن را شهروندی خودحکمران می‌نامد، جای خود را به حکمرانی سراسر دولتی داد. میراب کل که در طومار شیخ بهایی مسئول تأمین و توزیع آب بود، جای خود را به شرکت آب منطقه‌ای اصفهان (ضیایی، ۱۳۹۳: ۱۱۴) داد که یک نهاد سراسر دولتی محسوب می‌شود. دولت در ایران این قاعده را مانند دولت نپال (استرم، ۱۳۹۵: ۳۵۳) نادیده گرفت که حذف سازوکارهای

خصوصی اداره شوند و برعکس مشخص می‌کرد که نهادهای محلی عناصر کارآمدتری در اداره منابع طبیعی مشاع‌اند (in Kobayashi et al., 2014: 61). در این دیدگاه «حکمرانی پایدار منابع مشاع» متضمن ترتیبات نهادی متنوع یا چندمرکزی و نه تک‌مرکزی بود (استرم، ۱۳۹۵: ۳۹۹)؛ درواقع، اهمیت کار استرم آنجاست که برخلاف پارادایم اقتصاد نئوکلاسیک که همه راه‌ها را به دو نهاد دولت و بازار ختم می‌کند، از راه سومی به نام «شهروندی خودحکمران» هم سخن می‌گوید که به کمک آن می‌توان از تراژدی منابع مشترک جلوگیری کرد (خدایپرست مشهدی و محمدباقری، ۱۳۹۲: ۲). او معتقد است مجموعه ارزش‌ها و هنجارهای محلی در کنار امکان تعامل و گفتگوی بهره‌برداران محلی، سرمایه اجتماعی نیرومندی را برای استفاده صحیح از منابع مشاع ایجاد می‌کند. همین طور به اعتقاد استرم وضع قواعد محلی و اجرای آن توسط بهره‌برداران محلی سبب بهره‌برداری صحیح و پایداری منابع مشاع می‌شود. بدین سان در این تعبیر حکمرانی خوب آب متضمن در نظر گرفتن رویه‌ها، فرایندها و ساختارهای غیررسمی در کنار رویه‌ها، فرایندها و ساختارهای رسمی است که در آن دولت تنها یکی از نهادهای درگیر در حکمرانی آب است نه آنکه تنها نهاد درگیر در آن باشد.

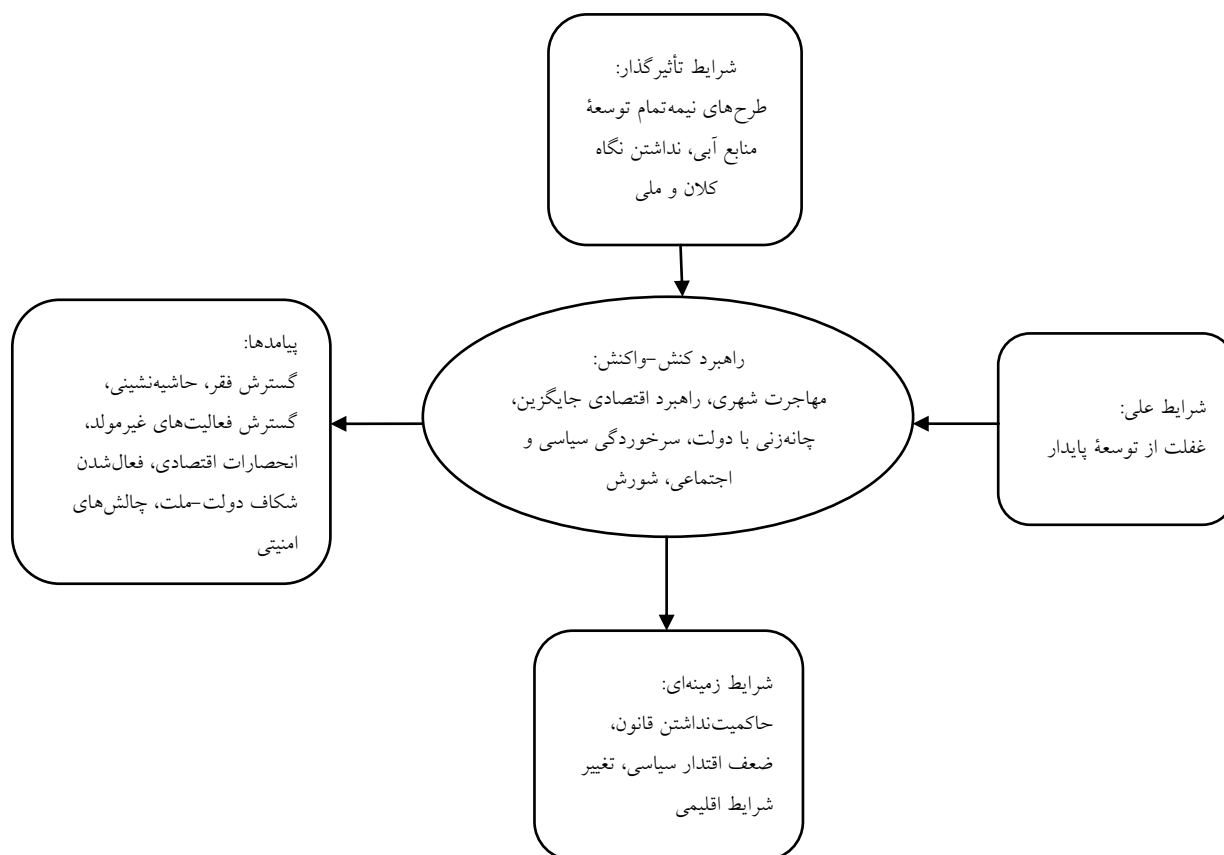
مطالعه حوضه آبی زاینده‌رود نشان می‌دهد طی قرون متمادی بهره‌برداران محلی رودخانه زاینده‌رود، براساس عمل به طومار شیخ بهایی، قابلیت مدیریت پایدار این منبع مشاع را داشته‌اند. ویژگی بارز این طومار این بود که با توجه به اقلیم خشک اصفهان و ضرورت بهره‌برداری و بهره‌وری درست از آب زاینده‌رود، به گونه‌ای تنظیم شده بود که در آن هیچ روستا و مزرعه و محله‌ای از آب محروم نمی‌ماند؛ بنابراین، حتی در دورانی که پدیده خشکسالی یا ترسالی در این منطقه رخ می‌داد، به واسطه دقت این طومار در تخصیص، توزیع و نظارت بر رودخانه زاینده‌رود با کمترین آسیب به وجه اقتصادی و اکولوژیکی این حوضه آبی، این دوران پشت سر گذاشته می‌شد؛ اما حوضه آبی زاینده‌رود که طی قرون متمادی توسط بهره‌برداران محلی براساس نهاد محلی طومار شیخ

پدیده‌ای طبیعی، تنها یکی از عوامل زمینه‌ساز این بحران می‌دانند. تقابل این دو گفتمان با یکدیگر نشان‌دهنده وجود یک شکاف ذهنی و درکی بین حاکمیت و مردم درباره آب و شیوه مدیریت آن است.

الگوی پارادایمی پژوهش

در این پژوهش سعی شده است با تکیه بر درک و تفسیر کشاورزان، پدیده بحران آب در شرق اصفهان در سه سطح فهم دلایل بحران، راهبردهای مقابله‌ای و پیامدهای بحران آب درک شود. لازمه درک این مراحل فهم تجربه زیسته و بیان شفاهی افراد مشارکت‌کننده در پژوهش است. براساس الگوی پارادایمی زیر می‌توان گفت بحران آب از مجموعه‌ای شرایط خاص تأثیر گرفته است که این شرایط در سه دسته علی، زمینه‌ای و تأثیرگذار طبقه‌بندی می‌شوند.

سنتی و غیررسمی در حکمرانی آب و پذیرفتن یک حکمرانی سراسر دولتی، عامل یک حکمرانی مطلوب نیست؛ بلکه می‌تواند موجب یک حکمرانی نامطلوب باشد. بررسی اجمالی ساختار سازمانی طومار نشان دهنده مشارکت واقعی کشاورزان حقایقه‌دار و دقت در سهم‌بندی آب و نیز سازوکارهای نظارتی قوی در مدیریت رودخانه زاینده رود بود. این طومار محصول خرد جمعی پیشینیان و تکامل تاریخی فرهنگ کشاورزی در این منطقه بود که در قرون متمادی همه ذی‌نفعان و بهره‌برداران حوضه آبی زاینده رود درباره آن اتفاق نظر داشتند؛ در حالی که، زمانی طومار شیخ بهایی به منزله یک قانون محلی مبنای تعامل و کنش مردم و حاکمیت بود، امروزه به شکلی معکوس به محل مناقشه بین مردم و حاکمیت تبدیل شده است. چنانکه گفته شد درک معنایی کشاورزان شهرهای بررسی شده نشان داد بر خلاف گفتمان رسمی حاکم که علت اصلی و تام بحران آبی موجود را خشکسالی می‌داند، کشاورزان بررسی شده خشکسالی را به منزله



الگوی ۱- الگوی پارادایمی بازسازی معنایی بحران آب در شرق اصفهان (زیار، اژی، و رزنگه)

نتیجه

در این پژوهش، براساس الگوی پارادایمی مذکور، «حکمرانی غلط آب» به‌منزله مقوله هسته و پاسخ نهایی به سؤالات پژوهش استخراج شده است. براساس این مقوله، کشاورزان زیار، اژیبه و ورزنه با درک و تفسیر بحران آب و پیامدهای حاصل از آن در زندگی روزمره خود، بحران آب را به‌منزله پدیده‌ای درک می‌کنند که در پیوند مستقیم و وثیقی با حکمرانی غلط آب قرار دارد. اینکه چرا این درک بین کشاورزان شکل گرفته است، مسئله مهمی است. زمانی که دولت با کنارزدن ذی‌نفعان اجتماعی خود را در هیئت کارگزار انحصاری توزیع آب ظاهر کرده است، به‌طور طبیعی این دخالت انحصاری متضمن پاسخگویی انحصاری است. جهت‌گیری دولت عکس این بود؛ زیرا دولت درباره منابع مشاع خود را به یکی از نهادها و نه تنها نهاد توزیع‌کننده آب تبدیل می‌کرد. بر این اساس تنوع نهادی استرم ایجاب می‌کرد دولت به سمت شناسایی این موضوع حرکت کند که نهادهای محلی در حیات مادی مهم‌اند. براساس بینشی که استرم در اختیار ما قرار می‌دهد، می‌توان گفت دولت در ایران به جای به‌رسمیت‌شناختن تنوع نهادی در مدیریت آب به‌سمت سیاستی حرکت کرده است که دولت را به‌منزله تنها نهاد توزیع‌کننده و نظارت‌کننده بر آب تبدیل کرده است. طبیعی است که در این حالت دولت ازسوی ساخت اجتماعی به‌منزله تنها مسئول حوزه آب و به‌ناچار مسئول تمامی مشکلات مربوط به آن درک شود. آنگونه که اوکانر (1973) نیز استدلال کرده است، هرچا دولت در حوزه حیات مادی و ساخت اقتصادی دخالت کرده است، این دخالت پیامدهای سیاسی مشخصی داشته است. این پیامدها اشکال متنوعی داشته‌اند. در اینجا نیز این پیامد اینگونه ازسوی کشاورزان فهم شده است که دولت به‌دلیل حکمرانی غلط آب، به بحران آب دامن زده است؛ به عبارت دیگر، دولت به این دلیل ازسوی ساخت اجتماعی مقصر اصلی بحران آب شناخته شده است که کارگزار انحصاری در حکمرانی آب بوده است. این موضوع

به ما می‌آموزد که کنش‌های دسته‌جمعی در حیات مادی و اقتصادی نیازمند توجه به ترتیبات نهادی متنوع حاکم بر این کنش‌هاست. در قالب این کنش‌ها دولت باید به این درک بنیادین برسد که تنها یکی از نهادهای مرتبط با مناسبات حیات مادی است نه اینکه نهاد انحصاری مرتبط با این مناسبات باشد. دولت در ایران نشان داده است درباره حوضه زاینده‌رود برخلاف این جریان در حرکت بوده است. دولت در ایران پس از انقلاب در حوضه آبی زاینده‌رود با نادیده‌انگاشتن ترتیبات نهادی سنتی برآمده از طومار شیخ بهایی، به سمت الگوی مدیریت دولتی منابع آبی حرکت کرده است. پیشنهاد مشخص مقاله حاضر این است که دولت به سمت سیاست‌هایی گام بردارد که حکمرانی سراسر دولتی آب را به سمت حکمرانی سوق دهد که ذی‌نفعان در ساخت اجتماعی را نیز در این حکمرانی درگیر کند؛ به عبارت دیگر، اقتصاد سیاسی آب در ایران نیازمند تجدید نظر در رابطه بین دولت و کنشگران اقتصادی است. همچنین پیشنهاد می‌شود برای ایجاد یک حکمرانی خوب، سیاست‌گذاری‌ها و وظایف مربوط به وزارت نیرو، وزارت جهاد کشاورزی و سازمان محیط زیست، در یک وزارتخانه ادغام شود تا به این ترتیب از اختلافات و ناهماهنگی‌ها در حوزه مدیریت آبی کاسته شود. موضوع دیگر شکاف ادراکی است که بین درک ساخت سیاسی و درک ساخت اجتماعی از بحران آب وجود دارد. گرچه بازنمایی معنایی بحران آب از منظر حاکمیت نیازمند پژوهشی مستقل است، به نظر می‌رسد درک رسمی در ایران این است که مسئله آب در ایران بیشتر موضوعی مربوط به تغییرات اقلیمی یا خشکسالی است؛ اما چنانکه یافته‌های مقاله نشان می‌دهند ساخت اجتماعی یا کنشگران غیررسمی درگیر در مسئله آب، بحران آب را بیشتر ناشی از حکمرانی غلط آب ازسوی دولت درک می‌کنند. به همین دلیل ضروری است تا دولت فضای گفتگویی را فراهم کند تا این شکاف ادراکی تعدیل شود. اگر این شکاف گسترده‌تر و فعال‌تر از قبل شود، برآیند آن نیز می‌تواند به گستردگی بیشتر شکاف بین دولت و ملت در

برای مطالعات امنیت، ترجمه: علی‌رضا طیب‌نیا. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

بوستانی، د. و محمدپور، الف. (۱۳۸۸). «بازسازی معنایی جهت‌گیری جنسیتی پسران نسبت به دختران؛ ارائه یک نظریه زمینه‌ای»، *مطالعات راهبردی زنان*، د ۱۱، ش ۴۴، ص ۱۷۲-۱۴۲.

خداپرست‌مشهدی، م. و محمدباقری، الف. (۱۳۹۲). «کاربرد نظریه استروم در استفاده پایدار از منابع مشترک»، *سومین همایش ملی سلامت، محیط زیست و توسعه پایدار*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس.

ساتن، ف. (۱۳۹۲). *درآمدی بر جامعه‌شناسی محیط زیست*، ترجمه: صادق صالحی، تهران: سمت.

سالدنا، ج. (۱۳۹۵). *راهنمای کدگذاری برای پژوهشگران کیفی*، ترجمه: عبدالله گیویان، تهران: علمی فرهنگی.

سایت خبری-تحلیلی عصر ایران، «جدی‌شدن بحران آب در مناطق مرکزی و شرق»، قابل دسترسی در: <http://www.asriran.com/fa/news/494573>.

شاهی‌دشت، ع. و عباس‌نژاد، الف. (۱۳۸۹). «مدیریت منابع آبی: چالش‌ها و راهکارها؛ مطالعه موردی استان کرمان»، در *مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیای دانان جهان اسلام، زاهدان*، ص ۱۴۶-۱۳۱.

شفقی، س. (۱۳۸۱). *جغرافیای اصفهان*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

ضیایی، ل. (۱۳۹۳). «نگرشی به طومار منسوب به شیخ بهایی و حقوق آب زاینده‌رود»، *ماهنامه فنی-تخصصی دانش‌نما*، س ۲۳، د ۳، ش ۲۳۲، ص ۱۱۸-۱۱۳.

کریمی‌سلطانی، پ.؛ جواهری، ف. و ظاهری، ج. (۱۳۹۴). «بحران آب در ایران و راهکارهایی برای مدیریت صحیح و عبور از آن»، *اولین همایش مدیریت تقاضا و بهره‌وری مصرف آب*، همدان.

گول‌دبالت، د. (۱۳۷۹). «محیط زیست: نظریه اجتماعی و

ایران دامن‌زند. در نهایت پیشنهاد می‌شود برای رسیدن به تعادل نسبی در میزان عرضه و تقاضای آب و نیز سازگاری با شرایط آبی موجود، یک نظام شفاف و دقیق از اطلاعات آبی کشور تدوین شود و بر آن اساس به سمت تدوین سیاست‌های جدید آبی، اصلاح الگوی مصرف آب در بخش کشاورزی و فرهنگ‌سازی در بخش مصرف آب گام برداشت.

منابع

آبراهامیان، ی. (۱۳۹۲). *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه: احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان. (۱۳۹۳). «بحران آب در حوضه زاینده‌رود»، اصفهان: کمیته آب کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان.

احسانی، م. و خالدی، ه. (۱۳۸۳). «شناخت و ارتقای بهره‌وری آب کشاورزی به منظور تأمین امنیت آبی و غذایی کشور»، در *مجموعه مقالات یازدهمین کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران*، تهران: کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران، ص ۶۷۴-۶۵۷.

استرم، الف. (۱۳۹۵). *فهم تنوع نهادی*، ترجمه: جمال‌الدین محسنی‌زنوزی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

استروس، الف. و کوربین، ج. (۱۳۹۰). *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه: ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.

امیری، ش. (۱۳۹۳). *بررسی تأثیر محیط زیست بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه رازی کرمانشاه.

بوزان، ب. (۱۳۷۸). *مردم، دولت، هراس*، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

بوزان، ب.؛ ویور، الف. و دودیلد، پ. (۱۳۹۲). *چارچوبی تازه*

- Madani, K. Aghakouchak, A. & Mirchi, A. (2016) "Iran's Socio-Economic Drought: Challenges of a Water-Bankrupt Nation." *Iranian Studies*, 49 (6): 977-1016.
- O'Connor, J. (1973) *The Fiscal Crisis of the State*. New Brunswick (U.S.A.) and London (U.K.): Transaction Publishers.
- Rezaee, R. Gholifar, E. & Safa, L. (2016) "Entifying and Explaining the Effects of Drought in Rural Areas in Iran from Viewpoints of Farmers (Case Study: Esfejin village, Zanjan county)." *Desert*, 21 (1): 56-64.
- Ruritun, R. V. (2014) "Water Governance in Indonesia: From Indigenous to Post-Colonial Technology." in Kobayashi, K. Ari, I. R. D. Escobar, I. C. & Schaefer, A. (Eds). *Community Based Water Management and Social Capital*. London: IWA Publishing, 105-140.
- Shiva, V. (2016) *Water Wars: Privatization, Pollution and Profit*. London: Pluto Press.
- Westlund, H. (2014) "Social Capital and Governance for Efficient Water Management: Chapter 5." in K. Kobayashi, I. Syabri, I. R. D. Ari, & H. Jeong (Eds). *Community Based Water Management and Social Capital*. London: IWA Publishing, 59-68.
- محیط زیست»، ترجمه: سید محمود نجاتی حسینی، مدیریت شهری، ش ۴، ص ۸۶-۹۵
- محمدپور، الف. و رضایی، م. (۱۳۸۸). «درک معنایی پیامدهای ورود نوسازی به منطقه اورامان کردستان ایران به شیوه پژوهش زمینه‌ای»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، د ۹، ش ۲-۱، ص ۳۳-۳.
- محمدجانی، الف. و یزدانیان، ن. (۱۳۹۳). «تحلیل وضعیت بحران آب در کشور و الزامات مدیریت آن»، *نشریه روند (روند پژوهش های اقتصادی)*، د ۲۱، ش ۶۶-۶۵، ص ۱۱۷-۱۴۴.
- مصلی‌نژاد، ع. (۱۳۸۷). «بررسی جنبه‌های مختلف امنیت زیست‌محیطی با رویکرد مکتب انتقادی»، *مجله محیط‌شناسی*، ش ۴۶، ص ۱۴۸-۱۳۹.
- نصرآبادی، الف. (۱۳۹۴). «شواهد زیست‌محیطی بحران آب ایران و برخی راه‌حل‌ها»، *نشریه راهبرد اجتماعی-فرهنگی*، د ۴، ش ۱۵، ص ۸۹-۶۵.
- Ahmadi, H. Nazari Samani, A. & Malekian, A. (2010) "The Qanat: A Living History in Iran." in Schneier-Madanes, G. & Courel, M. F. (Eds) *Water and Sustainability in Arid Regions (Bridging the Gap Between Physical and Social Sciences)*, London: Springer. 125-138.
- Barry, J. (2007) *Environment and Social Theory*. London: Routledge.
- Costanza, R. (1989) "What is Ecological Economics?" *Ecological Economics*, University of Maryland, 1: 1-7.
- Davis, H. L. (2017). *Ecopolitics*, in *The SAGE Encyclopedia of political Behavior edited by Fathali Moghaddam*. London: Sage Publication.
- Global Water Partnership. (2013) Available at: http://www.gwptoolbox.org/index.php?option=com_tool&id=9.
- Keshavarz, M. Karimi, E. & Vanclay, F. (2013) "The Social Experience of Drought in Rural Iran." *Land Use Policy*, 30 (1): 120-129.
- Kobayashi, K. Ari, I. R. D. Escobar, I. C. & Schaefer, A. (2014) *Community Bbased Water Management and Social Capital*. London: IWA Publishing.
- Madani, K. (2014) "Water Management in Iran: What Is Causing the Looming Crisis?" *Journal of Environmental Studies and Sciences*, 4 (4): 315-328.

Semantic Reconstruction of the Water Crisis in the East of Isfahan Based on Grounded Theory

Abbas Hatami

Associate Professor, Political Sciences, University of Isfahan, Iran

Sousan Nourbakhsh

MA. Student Political Sciences, University of Isfahan, Iran

** Corresponding author, e-mail: A.Hatami@ase.ui.ac.ir*

Introduction

In recent years, the data and objective conditions indicate Iran's entry into a new era of environmental crises, especially in the water. According to United Nations indicators, Iran currently has a severe water crisis, because about 69% of the total annual renewable water used in the country. Also, according to statement political officials, if the water crisis Continuity, about 50 million people will be forced to migrate in Iran in the next 25 years, and the east and south of the country will be actually empty. Meanwhile, the eastern part of Isfahan is one of the areas that, despite the seriousness of the water crisis in it, has been less an issue of independent research. This research gap is that firstly, dehydration has led to unrest in the region at least in two periods, 2012 and 2017 respectively. Secondly, the three cities studied in this research, namely, Ziar, Ezehieh and Varzaneh are very important cities in the east of Isfahan. Thirdly, these three cities are Zayande rood legal and historic lords due to their occupation. Accordingly, the research seeks to understand the meaning of Ziar, Ezehieh and Varzaneh farmers on the water crisis with the Emic approach and using the method of Anselm Strauss and Juliet Corbin's theoretical approach, namely Grounded Theory. The questions of this research are: What causes or causes of water crisis from the perspective of the farmers of Ziar, Ezehieh and Varzaneh? What are the strategies of these farmers in confronting the water crisis? Finally, what are the consequences of the water crisis for farmers Ziar, Ezehieh and Varzaneh?

Material & Methods

In this research, qualitative research method has been used. In this study, semi-structured interviews were conducted with 17 farmers from Ziar, Ezehieh and Varzaneh in eastern Isfahan in order to understand the participants' mental world. Sampling was done using purposeful sampling method and theoretical sampling was used to collect data. The sample size and data computation method are of theoretical saturation type. In our study, after 7 interviews, theoretical saturation was achieved, but to ensure more interviews were continued to 17 cases. In this research, simultaneously with the interviews, data coding began and then analyzed using the grounded theory. The data encryption consists of three steps: open coding, central coding, and selective coding. The method of validating the grounded theory is through "accreditation by members", "analytical comparison" and "audit technique".

In the present study, in the "open coding" stage, 35 initial concepts were extracted, then by central coding we transform them into abstract concepts in the form of

16 main categories. In the "selective coding" stage, according to the categories obtained, a "core category" was extracted which is considered to be the core of the research. This categories include: Unstable Development, Semi-Finished Project, Lack of National Approach, Lack of Law, The Weakness Political Authority, Economic Monopolies, Changing Climatic Conditions, Urban Migration, Political and Social Frustration, Negotiating with the Government, Rebellion, Increase in Poverty, Increasing Unproductive Businesses, Alternative Economic Strategies, Increasing the cleavage of Nation-State and Security Challenges.

In this study, "bad governance of water" as a core category of the contextual data was extracted. According to this category, the farmers of Ziar, Ezehieh and Varzaneh understand and interpret the changes that have been made in their lives, or water crisis as a phenomenon associated with the mismanagement of water. Issues such as unsustainable development, semi-integrated water development projects, lack of nationalism and lack of law, and the weakness of

political authority all fall under water mismanagement or bad governance of water. Theoretically one of the finest analyzes in the field of economic governance of natural resources, including water, is the discussion of the political economist Elinor Ostrom. She showed how natural resources can be well managed from the groups they use and not the state. This view points out that local institutions are more effective elements in managing common natural resources. From this theoretical view, the study of Zayande rood water basin also shows that during the centuries, local exploiters of Zayande Rood River have been able to manage the sustainable management of this source based on the Sheikh Bahaei Scroll. However, the basin was gradually subjected to a state-owned regime, and thus, in addition to violate of the historic and legal rights, part of the Zayanderud was owned by the state. In this process, the Sheikh Bahaei Scroll, which was once the basis of the actions of the farmers and the sovereignty, was gradually abandoned and has become the place of conflict between the farmer and the state.

Finally we try to provide paradigm research model. Based on the research findings, the water crisis in eastern Isfahan is classified into three categories: causal, contextual and effective. Casual Conditions include Unstable Development, Contextual Conditions include lack of law, the weakness of political authority and changing climatic of conditions, Effective Conditions include Semi-Finished Project and Lack of National Approach. Also in this research the Process and Interactional are Urban Migration, Alternative Economic Strategies, Negotiating with the Government, Political and Social Frustration and Rebellion. And finally, Consequential include Increase in Poverty, Increasing Unproductive Businesses, Economic Monopolies, Widening the Cleavage of Nation-State and Security Challenges.

Discussion of Results & Conclusions

In this research, based on the paradigm model, the bad water Governance as the core category and the final answer to the research questions have been extracted. According to this category, the farmers of Ziar, Ezehieh and Varzaneh understand the water crisis as a phenomenon that is directly linked to the mismanagement of water by the government. In fact, the government has been seen as the main culprit for the water crisis by society, which has been the exclusive agent for water governance. This teaches us that collective action in material and economic life requires attention to the various institutional arrangements governing these actions. In the form of these actions, the state must have a fundamental understanding that it is only one of the institutions associated with material life and not only an exclusive entity in this field. But the government in Iran has shown that it has not done so in the Zayande rood

Basin, and that is why it is known by the social structure to blame for the water crisis. Therefore, due to such an understanding in social structure, it is necessary for the government to provide a contextual platform for the perceptual gap to be adjusted. If this gap is wider and more active than before, it can further expand the cleavage between the government and the nation in Iran.

Keywords: Water Crisis, Environmental Sociology, Bad Water Governance, Institutional Diversity, Economic Governance, Political Economy.

References

- Abrahamian, E. (2013) *Iran Between Two Revolutions*. Translated by Golmohamadi, A. & Fatahi, M. Tehran: Nashreney, In Persian
- Ahmadi, H. Nazari Samani, A. & Malekian, A. (2010) "The Qanat: A Living History in Iran" In Schneier-Madanes, G. & Courel, M.F. (2010) *Water and Sustainability in Arid Regions* (Bridging the Gap Between Physical and Social Sciences). Springer. 125-138.
- Amiri, Sh. (2014) The Impact of Environment on National Security of the Islamic Republic of Iran, Master's Degree, Faculty of Economics and Social Sciences, Razi University. In Persian
- Barry, J. (2007) *Environment and Social Theory*. Routledge.
- Boostani, D. & Mohammadpour, A. (2009) "Semantic Restoration of the Gender Orientation of Boys to Girls (Providing a Grounded Theory)." *The Journal of Strategic Studies of Women*, 44(11): 142-172. In Persian.
- Buzan, B. (2008) *People, states and fear: An Agenda for International Security Studies in the Post-Cold War Era*. Translated by Research Institute of Strategic Study, Tehran: Research Institute of Strategic Study. In Persian.
- Buzan, B. Wæver, O. & Wilde, D. (2013) *Security: A New Framework for Analysis*, Translated by Tayeb, A. Tehran: Research Institute of Strategic Study, In Persian.
- Costanza, R. (1989) "What Is Ecological Economics? Ecological." *The Journal of Ecological Economics*, University of Maryland, 1(1): 1-7.
- Davis, H. L. (2017) "Tolerance for Ambiguity." In Moghaddam F. M. (2017) *The SAGE Encyclopedia of political Behavior*. Sage Publication Available at: <https://us.sagepub.com/en-us/nam/book/sage-encyclopedia-political-behavior>
- Ehsani, M. & Khaledi, E. (2004) "Recognition and Promotion of Agricultural Water Productivity." *Proceedings of the 11th National Irrigation and Drainage Committee of Iran*, Tehran: Iran

- National Irrigation and Drainage Committee, (11): 657-674. In Persian.
- Goldblatt, D. (2000) *Social Theory and the Environment*. Translated by Nejateye Hossaini, S.M. Tehran: Urban Management .In Persian
- Isfahan Chamber of Commerce, Industries, Mines and Agriculture (2014) "Water Crisis in Zayanderood Basin." Isfahan: Water Committee, Agriculture Commission, Isfahan Chamber of Commerce, Industries, Mines and Agriculture. In Persian.
- Karimi Soltani, P. Javaheri, F. & Zaheri, J. (2015) "Water Crisis in Iran and Solutions for Correct Management." *First Conference on Demand and Water Consumption Management*, Hamadan, 1:1-11. In Persian.
- Keshavarz, M. Karami, E. & Vanclay, F. (2013) "The Social Experience of Drought in Rural Iran, *Land Use Policy*, 30(1): 120-129.
- Khodaparast Mashhadi, M. & Mohammad Bagheri, A. (2013) "Strom's Theory of Sustainable Use of Shared Resources." *Third National Health Conference, Environmental and Sustainable Development, Islamic Azad University, Bandar Abbas Branch*, (3):1-12. In Persian
- Kobayashi, K. Ari, I. R. D. Escobar, I. C. & Schaefer, A. (2014) *Community Based Water Management and Social Capital*, IWA Publishing.
- Madani, K. (2014) "Water Management in Iran: What Is Causing the Looming Crisis?", *J Environ Stud Sci*, (4) 4.
- Madani, K., Aghakouchak, A. & Mirchi, A. (2016) "Iran's Socio-economic Drought: Challenges of a Water-Bankrupt Nation", *Iranian Studies*, 49(6): 977-1016.
- Mohammadjani, A. & Yazdani, N. (2014) "Analysis of the State of Water Crisis in the Country and Its Management Requirements." *The Journal of Process (Economic Research Process)*, 21(65-66): 117-144. In Persian
- Mohammadpour, A. & Rezaei, M. (2009) "Understanding the Consequences of the Entry of Modernization into the Oraman Region of Kurdistan Grounded Theory." *The Journal of Sociology of Iran*, 9(1&2): 3-33. In Persian
- Mosalanejad, A. (2008) "Examining Different Aspects of Environmental Security with the Approach of Critical School." *The Journal of Environmental Magazine*, 34 (46): 139-148. In Persian.
- Nasrabadi, A. (2015) "Environmental Evidence of Iran's Water Crisis and Some Solutions." *The Journal of Social-Cultural Strategy*, 15 (4): 65-89. In Persian.
- O'connor, J. (1979) *The Fiscal Crisis of the State*. Transaction Publishers.
- Ostrom, A. (2005) *Understanding Institutional Diversity*. Princeton University Press.
- Rezaei, R. Gholifar, E. & Safa, L. (2016) "Identifying and Explaining the Effects of Drought in Rural Areas in Iran From Viewpoints of Farmers (Case Study: Esfejin Village, Zanjan County), *The Journal of Desert*, 21 (1): 56-64.
- Shiva, V. (2016) *Water Wars: Privatization, Pollution, and Profit*. North Atlantic Books.
- Sutton, W.P. (2007) *The Environment: A Sociological Introduction*. Polity Press.
- Saldana, J. (2013) *The Coding Manual for Qualitative Researchers*. Sage Publishing.
- Shafaghi, S. (2002) *Geography of Isfahan*. Isfahan: University of Isfahan Press. In Persian
- Shahi Dasht, A. & Abbasnejad, A. (2010) "Water Resources Management: Challenges and Solutions (Case Study of Kerman Province)." 4th International Congress of the Islamic World Geographers, Iran-Zahedan, (4):1-13. In Persian
- Strauss, A. Corbin, J. (2011) *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*. Translated by Afshar, A. Tehran: Nashreney. In Persian
- Westlund, H. (2014) "Social Capital and Governance for Efficient Water Management" in Kobayashi, K. and Syabri, I. (Eds.) (2014) *Community Based Water Management and Social Capital*, IWA Publishing. 59-67.
- Ziaei, L. (2014) "Review of the Petition Attributed to Sheikh Baha'i and Zayande Rood Rights." *The Journal of Technical- Professional Journal of Iranian Organization for Engineering Order of Building (Isfahan Province)*, 23(3): 230- 232. In Persian.
- Internet Resources:
 Analytical -News Site ASRE IRAN, "The Emergence of a Water Crisis in the Central and Eastern Regions" Available at:
<http://www.asriran.com/fa/news/494573/>
 Global Water Partnership, (May 29, 2013) Available at:
http://www.gwptoolbox.org/index.php?option=com_tool&id=9

